



# شعله جاوید



## ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان

جریده شعله جاوید ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان است که عمدتاً در خدمت تدارک، برپائی و پیشبرد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی (شکل مشخص کنونی جنگ خلق) قرار دارد. (اساسنامه حزب - مصوب سومین کنگره سراسری)

شماره ۱۴۰۵ (می ۲۰۲۶)

دوره پنجم

شماره (۲۸)

### شماره ویژه روز جهانی کارگر

اسناد مندرج این شماره متمرکز بر اسناد بین المللی احزاب و سازمان های مارکسیستی - لنینیستی - مائونیستی است که به دسترس خوانندگان عزیز قرار میگیرد. اوضاع داخلی افغانستان - شرایط منطقه و جهان در شماره های بعدی به نشر خواهند رسید.

اعلامیه مشترک احزاب و سازمان های مائونیست و مارکسیست - لنینیست به مناسبت اول ماه می ۲۰۲۶

### اول ماه می پرولتری، سرخ و انترناسیونالیستی

علیه امپریالیسم - جنگ امپریالیستی - ارتجاع و فاشیسم - استثمار، فقر و فلاکت بر پرولتاریا و خلق ها برای انقلاب دموکراتیک خلق ها، پرولتری و سوسیالیستی در سراسر جهان و در هر کشور به پیش!  
صفحه (۲)

هند درین اول ماه می - اجیت

صفحه (۵)



کارگران جهان، متحد شوید و سازمان های رزمنده و مبارز

صفحه (۶)

طبقه کارگر را بسازید! جبهه دموکراتیک ملی فیلیپین

بیانیه «کمیته نوین سازماندهی کارگران - امریکا» - به

صفحه (۷)

مناسبت اول ماه می ۲۰۲۶

اول ماه می، اعلامیه مشترک ۲۰۲۶ احزاب و سازمان های

صفحه (۸)

م ل م و نظریات «گروه یون شووی نو» - چین

سوگند به اول ماه مه و به فریاد «آزادی انسان» که آن روز

صفحه (۹)

می آید! پایگاه ناظر چین - ترجمه مجله جنوب جهانی -

گزارشات مختصر اول ماه می ۲۰۲۶ از تظاهرات کارگران

آسیائی [آسیای جنوبی - آسیای جنوب شرقی - آسیای شرقی (هند - بنگلادیش -

صفحه (۱۲)

پاکستان - اندونزی - تایلند - کره جنوبی - جاپان]]

اول ماه می و مبارزه در عرصه ایدئولوژیک

صفحه (۱۴)

از مجله مائونیستی «نظریه» [حزب کمونیست هند (مائونیست)]





اعلامیه مشترک احزاب و سازمان‌های مائوئیست و مارکسیست - لنینیست به مناسبت اول ماه می ۲۰۲۶

## اول ماه می پرولتری، سرخ و انترناسیونالیستی

علیه امپریالیزم - جنگ امپریالیستی - ارتجاع و فاشیسم - استثمار، فقر و فلاکت بر پرولتاریا و خلق‌ها برای انقلاب دموکراتیک خلق‌ها، پرولتری و سوسیالیستی در سراسر جهان و در هر کشور به پیش!

جایگزینی شان با حکومت‌های دست‌نشانده صورت گرفته است که با مقاومت شدید ملت و توده‌های ایران و لبنان روبرو شده است.

همچنین ایالات متحده آمریکا با به‌راه‌اندازی جنگ تعرفه‌ای تلاش کرده است قدرت‌های امپریالیستی اروپا و سایر کشورهای سرمایه‌داری و امپریالیستی را با برنامه‌ها و منافع خود همسو سازد که با مخالفت‌ها و توافقات مختلفی که به تضادهای ذات‌البینی امپریالیستی دامن می‌زند، روبرو گردید.

در عین حال، امپریالیزم آمریکا جنگی علیه توده‌های پرولتری، مهاجران و اپوزیسیون ضد فاشیستی و ضد امپریالیستی، زیر بیرق نژادپرستی و سرکوب، برای تبدیل ایالات متحده آمریکا به یک دیکتاتوری آشکار در خدمت سرمایه بزرگ به راه انداخته است و در مقیاس جهانی تلاش می‌نماید تا نیروهای ارتجاعی، فاشیستی، نازی، ملی‌گرای افراطی و پوپولیستی را در هر کشور تقویت و تحکیم نماید.

به ارتباط کشورهای تحت سلطه و زیر ستم امپریالیزم، تلاش دارد قدرت‌های هژمونیک منطقه‌ای مانند ترکیه، هند و برزیل را با خود همسو کند تا ائتلافی برای پیروزی در جنگ جهانی جدید برای تقسیم مجدد جهان بسازد، و همزمان شوونیسم، ناسیونالیزم و بنیادگرایی دینی را تقویت نماید.

پرولتاریای جهان اول ماه می را در شرایطی گرامی می‌دارند که خطر یک جنگ جهانی امپریالیستی جدید رو به افزایش است؛ جنگی که حتی می‌تواند به یک جنگ هسته‌ای تبدیل شود.

امپریالیزم در باتلاق بحران عمومی فرو رفته و همه تلاش‌ها برای خروج از این باتلاق ناکام مانده است. به همین دلیل، کشورهای عمده امپریالیستی (ایالات متحده آمریکا / اتحادیه اروپا / روسیه / چین) برای تقسیم مجدد جهان می‌جنگند تا کنترل منابع مواد خام و بازارهای جهانی را به دست آورند.

هر روز، امپریالیزم، دولت‌ها و حکومت‌هایش، احزاب پارلمانی و عواملش در درون جنبش‌های کارگری و مردمی، گام‌های عملی به سوی این جنگ جهانی جدید برمی‌دارند.

امپریالیزم آمریکا بخصوص، با ریاست‌جمهوری نازی وار ترامپ، سطح و شدت حرکت به سوی جنگ امپریالیستی را افزایش داده است؛ این جنگ نسل‌کشی مردمان فلسطین را به طور کامل پوشش داده است. این جنگ با تبانی و تقابل با امپریالیزم روسیه برای تقسیم اوکراین، سپس به تجاوز علیه ونزوئلا اقدام نموده و اکنون نیز در جنگ تجاوزکارانه امپریالیستی و صهیونیستی علیه ایران، پیش رفته و همه و همه با هدف سرنگونی دولت‌ها و

امپریالیسم آمریکا می‌خواهد از طریق جنگ از بحران و زوال خود بیرون شود؛ در حالی که سایر قدرت‌های امپریالیستی بزرگ و کوچک نیز در پی حفظ منافع خاص خود هستند.

همه اینها منجر به وضعیتی گردیده که در آن هر کشوری، دولتی و حکومتی با تجدید تسلیحاتی، اقتصاد جنگی، انتقال بحران و هزینه‌های جنگ بر دوش پرولتاریا و مردم، برای شرکت درین جنگ مجهز گردند.

نابرابری‌ها میان ثروتمندان و تهیدستان در جهان هرچه بیشتر در حال افزایش است و با تشدید بحران اقتصادی جهانی، فقر نیز افزایش می‌یابد. رقابت سرمایه‌داران/امپریالیست‌ها برای کسب سود بیشتر، منجر به فاجعه‌های اجتماعی و محیط زیستی می‌شود. آنچه به اصطلاح «انقلاب‌های صنعتی سوم و چهارم» نامیده می‌شوند، نه نوآوری‌هایی برای پیشرفت بشریت، بلکه ابزارهایی برای انباشت هرچه بیشتر سرمایه از طریق سرمایه مالی است.

جنگ‌های امپریالیستی و ارتجاعی باعث بی‌پناهی، آوارگی و پناهندگی صدها هزار نفر شده و مردمان کشور های نیمه-مستعمره و تحت سلطه مواجه با فقر و بیکاری را بطرف کشورهای کاپیتالیستی سوق می‌دهد.

طبقات حاکم در کشورهای سرمایه‌داری/امپریالیستی، و همچنین در کشورهای تحت ستم امپریالیسم، می‌کوشند قدرت خود را هم از طریق انتخابات که هدف آن‌ها تغییر چهره‌های حکومتی خادم شان است و نه تغییر ماهیت قدرت؛ و هم در جایی که عدم مشارکت گسترده وجود دارد، آشکارا از طریق سبک کار حکومت‌ها و رژیم‌های فاشیستی‌گونه، قوای پلیس دولتی و اعمال دیکتاتوری‌های آشکار، حفظ نمایند.

در مواجهه با همه این‌ها، پرولتاریا، توده‌های مردمی و ملت‌های تحت ستم امپریالیسم راهی جز تشدید مبارزه، گسترش قیام‌های اجتماعی و مردمی، مبارزات مسلحانه، راه اندازی جنگ خلق‌ها، و جنبش‌هایی با هدف سرنگونی دولت‌های ارتجاعی خدمتگزار امپریالیسم و طبقات حاکم ندارند.

این جنبش‌ها، با وجود تمامی قوت‌ها و محدودیت‌هایشان، نشان می‌دهند که هیچ جایگزینی در مسیر انقلاب، جز انقلاب‌های دموکراتیک نوین و انقلاب‌های سوسیالیستی وجود ندارد.

ابزار اصلی برای انجام انقلاب، احزاب انقلابی است. ساختن و تقویت احزاب کمونیست، و دفاع از آن‌ها در برابر طرح‌های بورژوازی برای نابودی‌شان (بویژه علیه مائوئیست‌ها: عملیات کاگار در هند، سرکوب در فیلیپین، ترکیه و غیره) وظیفه اصلی امروز و کلید پیشبرد جنبش‌های پرولتاریایی و مردمی در همه کشورهای جهان است.

تنها ایجاد حزب کمونیست-مارکسیست-لنینیست-مائوئیست است که امکان توسعه جبهه متحد پرولتاریا و مردمی و ایجاد ارتش خلق و پرولتری لازم را برای سرنگونی طبقات حاکم در هر کشور و نظام امپریالیستی در مقیاس جهانی فراهم می‌کند.

احزاب کمونیست (مارکسیست-لنینیست-مائوئیست) باید در آتش مبارزه طبقاتی و در پیوندی نزدیک و استوار با توده‌ها شکل گرفته و گسترش یابند؛ به‌عنوان واحدهای پیشاهنگ کارگری، واحدهایی که توانایی رهبری مبارزه پرولتاریایی و مردمی و مبارزه سیاسی و مسلحانه را در چارچوب کشورهای مختلف داشته باشند، تا جنگ طبقاتی، جنگ انقلابی و جنگ خلق را گسترش دهند.

احزاب کمونیست (مارکسیست-لنینیست-مائوئیست) باید قادر باشند خطاها و شکست‌های جنبش‌های انقلابی کمونیستی، چه در گذشته و چه در حال حاضر، را تحلیل کنند؛ و همچنین توانایی هدایت تجربه مستقیم پرولتاریا، توده‌ها و جنبش‌های مبارزاتی را داشته باشند.

احزاب کمونیست درگیر در جنگ خلق و همه احزاب و سازمان‌هایی که برای این جنگ و برای انقلاب فعالیت می‌کنند، باید در مبارزه‌ای مداوم علیه رویزیونیسم و «چپ روی»، نقش پیشناز را برای شالوده‌گذاری یک سازمان بین‌المللی کمونیستی، یک سازمان بین‌المللی متحد، تحت درفش مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم برای رهبری پرولتاریا و توده‌های مردم در کشورهای سرمایه‌داری و امپریالیستی و نیز کشورهای تحت ستم امپریالیسم در مبارزه انقلابی برای سوسیالیسم، ایفا کنند.

برای این هدف، امروز لازم است یک مجمع بین‌المللی کمونیستی واحد ایجاد شود که قادر به کمک در رهبری پرولتاریا در کشورهای سرمایه‌داری و امپریالیستی و نیز در کشورهای تحت ستم امپریالیسم در مبارزه؛ و در بسیج همه نیروهای ضد امپریالیستی، جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و بخش‌های پیشرو جنبش‌های ضد جنگ، فاشیسم، ارتجاع و سرکوب، نسل‌کشی‌ها و ویرانی‌های ارضی و محیط زیستی باشد.

امروزه، این مرحله ضروری برای پیشروی در بازسازی جنبش بین‌المللی کمونیستی و ایجاد یک انترناسیونال نوین کمونیستی است.

جهان امروز با تقابل تاریخی و سرنوشت‌ساز میان جنگ امپریالیستی و جنگ‌های پرولتاریا و ملت‌ها روبه‌رو است.

تعالیم و شعارهای لنین و مائو بار دیگر به‌طور بسیار صریح و روشن برجسته شده‌اند:

و.ا. لنین:

- «تبدیل جنگ امپریالیستی به جنگ داخلی»
- «امپریالیسم، سپیده دم انقلاب جهانی پرولتاریا است»
- «یک نوع و تنها یک نوع انترناسیونالیسم وجود دارد، و آن این است که بدون قید و شرط، برای رشد جنبش انقلابی و مبارزه طبقه کارگر در کشور خود کار شود، و در عین حال این مبارزه در همه کشورها (با تبلیغ، همبستگی و کمک مادی) حمایت گردد؛ این و تنها این خط است که باید در همه کشورها بدون استثنا دنبال شود.»

«تاریخ نشان می‌دهد که جنگ‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: جنگ‌های عادلانه و جنگ‌های ناعادلانه. همه جنگ‌های مترقی عادلانه‌اند و همه جنگ‌هایی که مانع پیشرفت می‌شوند ناعادلانه‌اند. ما کمونیست‌ها با همه جنگ‌های ناعادلانه که مانع پیشرفت‌اند مخالفیم. ما کمونیست‌ها نه تنها با جنگ‌های عادلانه مخالف نیستیم، بلکه فعالانه در آن‌ها شرکت می‌کنیم. جنگ جهانی اول نمونه‌ای از یک جنگ ناعادلانه است: دو طرف برای منافع امپریالیستی جنگیدند، و به همین دلیل کمونیست‌ها در سراسر جهان قاطعانه با آن مخالفت کردند. شیوهٔ مقابله با چنین جنگی این است که تا حد امکان پیش از وقوع آن از بروز آن جلوگیری شود، اما هنگامی که جنگ آغاز شد، باید با جنگ به جنگ پاسخ داد؛ جنگ ناعادلانه را با جنگ عادلانه، در صورت امکان، پاسخ گفت.»

## اول می ۲۰۲۶ میلادی

### امضاءها تا کنون :

۱. حزب کارگران تونس (الکادحین)
۲. حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان
۳. حزب کمونیست نیپال (اکثریت)
۴. حزب کمونیست سوئیس
۵. حزب کمونیست ترکیه مارکسیست - لنینیست (TKP-ML)
۶. وحدت کمونیستی فرانسه
۷. اتحادیه کارگران کمونیست (م ل م) کلمبیا
۸. حزب (مارکسیست - لنینیست) ایتالیا
۹. کمیته مائوئیست کمونیست برازیل
۱۰. حزب مائوئیست کمونیست ایتالیا
۱۱. حزب پرولتاریای پوربونگلا - بنگلادیش (PBSP)
۱۲. گروه مائوئیستی راه سرخ ایران
۱۳. حزب کمونیست انقلابی نیپال
۱۴. گروه یون شووی نو - چین
۱۵. سازمان کارگران افغانستان (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست - عمدتاً مائوئیست)
۱۶. درفش دسته کمونیستی کره جنوبی
۱۷. هیئت تحریریهٔ نشریهٔ خبری گونگ‌گی (چین) - ارگان انقلابی طبقهٔ کارگر
۱۸. فلفل سرخ (لال مور بیچ) - بنگلادیش

## هند درین اول ماه می

### اجیت

این مقاله‌ای توسط رفیق اجیت در وبسایت شخصی‌اش و سپس در وبسایت راه مائوئیسم نشر شده است.

حملات دولت سانگهی (دولت ملی‌گرای افراطی هندو) و لغو حقوق کارگری که از طریق مبارزات و اعتراضات رادیکال به دست آمده بود، یکی پس از دیگری ادامه یافته است؛ در این روند ده‌ها هزار کارگر برای به دست آوردن دستمزد و شرایط کاری لازم برای زندگی انسانی بسیج شدند. این‌ها همه زمینه اول ماه می در هند را تشکیل می‌دهد.

هنگامی که اتحادیه‌های سازمان یافته کارگری، خود را به اعتراضات رسمی علیه قوانین ضد کارگری منحصر می‌کنند، و احزابی که این اتحادیه‌ها را در مناطق تحت حاکمیت خود با سیاست‌های ضد کارگری دیکته شده توسط امپریالیسم کنترل می‌کنند، طبیعی است که کارگران غیرسازمان یافته بیرون از این چارچوب به پیشگام این خط مقدم مبارزه تبدیل شده‌اند.



این وضعیت ظرفیت عظیم مبارزاتی طبقه کارگر را نشان می‌دهد... و همچنین محدودیت‌هایی را که توسط رویزیونیسم و فرمیسم تحمیل می‌شود. این به معنای ستایش بی‌سازماندهی بودن و یا خودانگیزگی نیست. سازمان‌دهی ضروری است، اما کار سازمانی در میان کارگران نباید روحیه مبارزاتی طبقه کارگر را سرکوب کند؛ بلکه باید آن را تقویت نماید.

آگاهی‌ای که از این مبارزه شکل می‌گیرد باید آگاهی‌ای از همبستگی با مبارزات سراسر جهان، فراتر از حقوق خود و فراتر از کشور خود باشد.

مقاومت در برابر سیاست‌ها و اقداماتی که باعث تشدید تخریب محیط زیست می‌گردد و می‌توانند جهان را نابود سازند نیز باید بخشی از این آگاهی باشد. همه این‌ها باید با این درک هدایت شود که رهایی کارگران تنها از طریق رهایی کل بشریت ممکن است؛ و این امر تنها با پایان دادن به همه اشکال استثمار و ستم تحقق می‌یابد.

کارگران بنادر ساحلی در اروپا که با اعتصابات خود از صادرات سلاح به صهیونیست‌ها جلوگیری کردند [ ۲۶ فبروری ۲۰۲۶ این اعتصاب در ایتالیا، یونان، اسپانیا، ترکیه و مراکش — تجمع هماهنگ برگزار شد. م ]، یادآور می‌شوند که روحیه انترناسیونالیستی طبقه کارگر هنوز زنده است.

توده‌های مردم در سراسر جهان، از جمله در مراکز امپریالیسم، بار دیگر و بارها نشان می‌دهند که «مردم خواهان انقلاب‌اند». کسانی که با شجاعت درفش سرخ را برافراشته نگاه می‌دارند و در میان خیانت شدید و سرکوب بی‌رحمانه به مبارزه ادامه می‌دهند، گواه این هستند که کمونیست‌های امروز، یعنی مائوئیست‌ها، همواره همراه مردم و در خط مقدم برای تحقق این آرمان خواهند بود.

این امر قطعی است!

اجیت

عضو دفتر سیاسی

حزب کمونیست هند (مائوئیست)

۷ می ۲۰۲۶ م.



National Democratic Front of the Philippines  
International Office

## کارگران جهان، متحد شوید و سازمان‌های رزمنده و مبارز طبقه کارگر را بسازید!

ترجمه: کمیته روابط بین‌المللی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

نژادپرستی، پدرسالاری و سرکوب دولتی مقاومت کنند. تنها از طریق مبارزه قاطع است که می‌توان به دستاوردهای واقعی رسید و حقوق به‌دست‌آمده را حفظ کرد. تاریخ نشان داده است که هر پیروزی کارگران نه از طریق لطف از بالا، بلکه از راه وحدت، اعتصاب، اعتراض و اقدام جمعی قاطع به دست آمده است.

هر پیروزی طبقه کارگر، بشریت را یک گام به احیای سوسیالیسم نزدیک‌تر می‌کند و شکست نهایی امپریالیسم را نوید می‌دهد. با تعمیق بحران سرمایه‌داری انحصاری، افراد بیشتری درمی‌یابند که استثمار، جنگ و فقر، محصولات اجتناب‌ناپذیر نظامی در حال زوال است.

از طریق قدرت سازمان‌یافته طبقه کارگر، می‌توان مسیر جامعه‌ای نوین را گشود؛ جامعه‌ای مبتنی بر مالکیت عمومی، کنترل دموکراتیک تولید، برابری، صلح و همبستگی واقعی بین‌المللی.

در این اول می، ما از تمامی سازمان‌ها، احزاب پرولتری-سوسیالیستی، گروه‌های ضد امپریالیستی، انجمن‌های مهاجران و سایر نیروهای مترقی می‌خواهیم که هر محل کار را به مرکزی برای سازماندهی تبدیل کنند. بگذارید کارگران دست در دست دهقانان، مهاجران، زنان، جوانان و همه اقشار تحت ستم، در مبارزه‌ای مشترک علیه استثمار و بی‌عدالتی متحد شوند.

بحران نظام جهانی تا زمانی که سرمایه‌داری متأخر پابرجاست، تشدید خواهد شد. اما کارگران جهان ناتوان نیستند. ما نیرویی هستیم که جامعه را به حرکت درمی‌آورد، و زمانی که سازمان‌یافته باشیم و مبارزه کنیم، هیچ قدرتی نمی‌تواند ما را شکست دهد.

**زنده باد روز جهانی کارگر!**

**سازمان‌های رزمنده و مبارز کارگری را بسازید!**

**اتحادیه‌های مبارز را تقویت کنید!**

**علیه استثمار، بحران، جنگ و سرکوب مبارزه کنید!**

**کارگران جهان، متحد شوید!**

**دفتر بین‌المللی جبهه دموکراتیک ملی**

**فیلیپین (NDFP)**

[www.ndfp.org](http://www.ndfp.org)

در این روز جهانی کارگر، ما مشت‌های خود را در همبستگی با کارگران و مردمان تحت ستم در سراسر جهان بالا می‌بریم؛ کسانی که همچنان سنگین‌ترین بار یک بحران عمیق جهانی را بر دوش می‌کشند. ثروت جامعه به‌وسیله کار میلیاردها انسان تولید می‌شود، اما ثمره این کار در انحصار مشت‌های شرکت‌ها، میلیاردرها و قدرت‌های امپریالیستی قرار دارد.

مردم جهان مدت‌هاست که در معرض فقر و بی‌عدالتی فزاینده قرار دارند؛ از نابودی حمایت‌های کارگری، گسترش قراردادهای موقت و کارهای ناامن، و خصوصی‌سازی خدمات اساسی گرفته تا سلب مالکیت گسترده از دهقانان، کشاورزان و جوامع بومی از زمین‌هایشان. رکود و بی‌ثباتی مداوم اقتصاد جهانی میلیون‌ها کارگر را وادار به مهاجرت برای بقا کرده است، اما آنان با سیاست‌های ضد مهاجرتی و تبعیض‌آمیز روبه‌رو می‌شوند که آسیب‌پذیری‌شان را بیشتر مورد سوءاستفاده قرار می‌دهد. زنان کارگر و دیگر اقشار تحت ستم همچنان از دستمزد پایین، کار مراقبتی بدون مزد، تبعیض و خشونت رنج می‌برند. جوانان با افزایش هزینه‌های تحصیل، بیکاری و آینده‌ای ناامن مواجه‌اند. و اگر این نظام امپریالیستی به چالش کشیده نشود، بدتر از این نیز در راه است.

امروز، تورم، بیکاری، کمبود مسکن، تخریب محیط‌زیست و جنگ‌های بی‌پایان، رنج طبقه کارگر را تشدید کرده‌اند. دولت‌ها در سراسر جهان به این بحران‌ها با ریاضت اقتصادی، سرکوب، نظامی‌سازی و حمایت از سرمایه‌داران بزرگ پاسخ می‌دهند. در حالی که از کارگران خواسته می‌شود کمربندها را محکم‌تر ببندند، ثروتمندان از طریق استثمار، سوداگری و غارت، ثروتمندتر می‌شوند.

در هر کشوری، کارگران با حمله به دستمزدها، حقوق اتحادیه‌ای، بازنشستگی، خدمات صحتی و آزادی‌های دموکراتیک مواجه‌اند. کارگران مهاجر به‌شدت استثمار شده و به‌عنوان مقصر معرفی می‌شوند. کارگران غیررسمی بدون هیچ حمایتی رها شده‌اند. جوامع کامل قربانی پروژه‌های انرژی سودمحور، زمین‌خواری و طمع شرکت‌ها می‌شوند. این چهره واقعی یک نظام رو به زوال است.

در برابر این حملات، کارگران باید به‌صورت گسترده برخیزند و از حقوق خود دفاع کنند. وظیفه فوری زمان ما سازماندهی گسترده‌ترین صفوف طبقه کارگر در قالب سازمان‌های رزمنده و مبارز است. اتحادیه‌های قدرتمند، انجمن‌های کارگری، سازمان‌های مهاجران، کمیته‌های زنان، تشکل‌های جوانان و ائتلاف‌های مردمی، ابزارهای ضروری مبارزه برای دستمزدهای بالاتر، شغل‌های امن، حمایت اجتماعی و کرامت انسانی هستند.

تنها از طریق سازمان‌یابی جمعی است که کارگران می‌توانند در برابر اخراج‌ها، دزدی دستمزد، شرایط کاری ناامن، سرکوب اتحادیه‌ها،

## بیانیه «کمیته نوین سازماندهی کارگران - آمریکا»

### به مناسبت اول ماه می ۲۰۲۶

ترجمه: کمیته روابط بین المللی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

و «چپروانه» رنج می برد. در حالی که جریان چپ رو امکان و ضرورت مبارزه برای مطالبات روزمره توده ها را انکار می کند، جریان راست هر قرارداد سازشکارانه و هر پیروزی جناح های رفورمیستی را به عنوان «پیشرفت» معرفی می نماید. در واقع، طرح های کورپوراتیزم یا صنف گرایانه اتحادیه های وابسته به ساختار حاکم - مانند «گروه های احیای بزرگ اقتصاد آمریکایی» ترامپ، بانکداری کارگری، و همکاری با ماشین سیاسی حزب دموکرات و جمهوری خواه - نشانه رشد فاشیسم در درون جنبش کارگری [بخاطر مهار مبارزه طبقاتی] است.

«کمیته نوین سازماندهی کارگران - آمریکا» (NLOC) با اتکا عمده بر آگاهی طبقاتی طبقه ما و ابتکار عمل توده هایی که عمدتاً سازمان نیافته اند، علیه این انحرافات مبارزه می کند. برخلاف اتحادیه های دولتی که کارگران را بر مبنای شرکت، واحد چانه زنی و طبقه بندی شغلی از هم جدا می کنند و دامنه مطالبات را محدود می سازند، «کمیته نوین سازماندهی کارگران - آمریکا» وحدت صنعتی و گسترش مبارزه فراتر از تقسیم بندی های مصنوعی ای را که نظام حقوقی بورژوازی ایجاد کرده است، ترویج می کند. همچنین برخلاف اتحادیه های دولتی که در آنها کارمندان حرفه ای ان جی اوها و مأموران حزب دموکرات بر توده ها سلطه دارند، «کمیته نوین سازماندهی کارگران - آمریکا» رهبران تازه ای را از میان کارگران عادی و صفوف پایه پرورش می دهد.

اول ماه می، روز بزرگداشت بیداری کارگران به آگاهی طبقاتی، روز همبستگی با تمامی زحمتکشان جهان، و روز پیشبرد مبارزه برای سرنگونی استثمار و ستم به طور کلی است. به همین دلیل امروز، کمیته نوین سازماندهی کارگران (NLOC) اعلام می کند:

**کارگران جهان، متحد شوید!**

«کمیته نوین سازماندهی کارگران - آمریکا»

اول می ۲۰۲۶

در اول ماه می سال ۱۸۸۶، صدها هزار کارگر در ایالات متحده در حمایت از مطالبه روز کار هشت ساعته دست به اعتصاب زدند یا کار را ترک کردند. چند روز بعد، در میدان هی مارکت شهر شیکاگو، گردهمایی ای در حمایت از روز کار هشت ساعته برگزار شد. این گردهمایی زمانی به خشونت کشیده شد که فردی ناشناس بمبی را به میان جمعیت پرتاب کرد؛ رویدادی که متعاقباً به یک محاکمه ساختگی و پرونده سازی انجامید و طی آن چندین کارگر مبارز، با وجود آن که اکثریت آنان اساساً در محل گردهمایی حضور نداشتند، به اتهام بمب گذاری تحت پیگرد قرار گرفتند.

یک صد و چهل سال بعد، مطالبات اقتصادی ای که آن جنبش را پدید آورد، هنوز تحقق نیافته است. بگذارید اول ماه می ۲۰۲۶ یادآور این حقیقت باشد که حل نهایی ستم ها و مطالبات ما تنها از راه تسخیر قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر ممکن است. امپریالیزم برای سلطه می کوشد، نه آزادی؛ و تا زمانی که طبقه کارگر دیکتاتوری امپریالیستی را سرنگون نکند، حتی سخاوتمندانه ترین و گسترده ترین امتیازاتی که به کارگران داده می شود نیز همواره در معرض پس گرفته شدن قرار دارد. اتحادیه های دولتی، به عنوان مدیران مورد حمایت حکومت برای اداره همین امتیازات، نظارت بر انتقال میلیاردها دلار از جیب کارگران به جیب بورژوازی امپریالیستی را بر عهده داشته اند. مبارزه برای کسب امتیازات باید با مبارزه برای قدرت سیاسی پیوند یابد، نه آن که در تقابل با آن قرار داده شود. اتحادیه های دولتی، هم منافع کوتاه مدت و هم منافع درازمدت کارگران را بر قربانگاه «صلح کار» فدا می کنند. آنان این دروغ را تبلیغ می کنند که تنها راه دستیابی به «دستاورد های واقعی»، کنار گذاشتن مبارزه طبقاتی، ادغام در نظام امپریالیستی، و حفظ صلح کار به هر قیمت است. این رویکرد تنها می تواند هم جنبش کارگری و هم انقلاب را تخریب کند.

جنبش کارگری در آمریکا اکنون دهه هاست که در حال افول به سر می برد. این وضعیت ناشی از تضاد درونی این جنبش است که همچنان در چهارچوب دگم های اتحادیه گرایی دولتی گرفتار مانده و از انحرافات راست

## اول ماه می، اعلامیه مشترک ۲۰۲۶ - احزاب و سازمان های م ل م

### و نظریات «گروه یون شووی نو» - چین

ترجمه: کمیته روابط بین المللی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

نیروهای نیابتی در این جزیره است - جاه طلبی های او گویای همه چیز است.

در عین حال، پایگاه دریایی ریم در کامبوج، که با کمک چین ساخته شده است، حدود سال ۲۰۲۵ وارد فاز عملیاتی شده است و قابلیت های نمایش قدرت ارتش آزادی بخش خلق اکنون فراتر از مرزهای سنتی نزدیک دریا به منطقه هند و اقیانوس آرام گسترش یافته است. مسیر کشتیرانی قطب شمال که به طور مشترک توسط چین و روسیه توسعه یافته است، در سال ۲۰۲۵ پیشرفت های بزرگی داشته است، و شرکت کشتیرانی کاسکو چندین سفر آزمایشی قطب شمال را به پایان رسانده است. دو طرف همچنین یک کمیته فرعی مشترک توسعه کشتیرانی قطب شمال ایجاد کرده اند. از دریای چین جنوبی تا قطب شمال، به همین ترتیب سرمایه انحصاری چین در حال ایجاد یک زنجیره کنترل دوگانه نظامی-اقتصادی در امتداد «جاده های ابریشم» جدید خود است.

از نگرانی های ویژه، عملیات ایدئولوژیکی است که مقامات چینی از طریق آن خود را به عنوان «رهبران جنوب جهان» معرفی کرده اند. استراتژیست های پکن به خوبی می دانند که مؤثرترین شکل فریب، دنبال کردن هژمونی خود تحت درفش «مخالفت با هژمونی» است.

چین ادعا می کند که «عضو طبیعی جنوب جهان» است و نفوذ سرمایه خود در کشورهای آفریقایی و آسیای مرکزی را به عنوان «همکاری جنوب-جنوب» دوباره مطرح می کند و گسترش مکانیسم بریکس را به عنوان پیروزی برای «همبستگی جنوب جهان» ستایش می کند.

همچنین چندین مقاله تحلیلی بین المللی نوشته شده توسط رفقای مارکسیست-لنینیست-مائوئیست چینی را برای مراجعه شما ارسال خواهیم کرد.

درودهای انقلابی،

گروه یون شووی نو

مارکسیست - لنینیست - مائوئیست

شهر پکن - چین

رفقا عزیز و گرامی

ما بیانیه مشترک احزاب و سازمان ها را در روز جهانی کارگر ۲۰۲۶ را تأیید نموده و امضای خود را به آن اضافه میکنیم.

با این حال، ما معتقدیم که به عنوان تحلیلی از وضعیت بین المللی، عدم توجه به امپریالیسم چین یک مشکل است. برای این منظور، گزارشی از اقدامات امپریالیستی و نیت شوم استراتژیک چین از سال ۲۰۲۶ ارائه خواهیم داد.

ابتکار کمربند و راه، که تحت عنوان «همکاری برد-برد» به بازار عرضه می شود، در واقع ابزاری استراتژیک برای گسترش بیرونی سرمایه انحصاری چین است.

در سال ۲۰۲۵، کل سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین به ۱۷۴.۴ میلیارد دلار رسید که نسبت به سال گذشته ۷.۱ درصد افزایش داشته است. در پشت این رقم، نفوذ سیستماتیک شرکت های سرمایه انحصاری دولتی به منابع، بازارها و زیرساخت های کشورهای سراسر آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین نهفته است.

تا پایان سال ۲۰۲۵، بیش از ۱۵۰ کشور اسناد همکاری یک کمربند و یک راه را امضا کردند و مجموع سرمایه گذاری در پروژه ها از ۱.۳ تریلیون دالر فراتر رفت که از این میان، کشورهای آفریقایی با ۳۷ درصد، بالاترین سهم را داشتند.

علاوه بر این، پکن قصد دارد در سال ۲۰۲۶ به گسترش نفوذ خود ادامه دهد و تمام جهان را به ارابه جنگی فاشیستی چین متصل کند.

جاه طلبی های سوسیال امپریالیستی چین در حوزه نظامی نیز به همین اندازه گستاخانه است. در طول سال ۲۰۲۵، ارتش آزادی بخش خلق دو رزمایش بزرگ نظامی را با نام های رمز «تندر تنگه-۲۰۲۵A» و «ماموریت عدالت-۲۰۲۵» در اطراف تایوان انجام داد.

ارباب نظامی مردم تایوان از هیچ موضع مشروع ضد امپریالیستی یا ضد جدایی طلبی ناشی نمی شود - این ابزاری در دست بورژوازی بزرگ چین است و در تلاش برای تصرف عمق استراتژیک و ایجاد هژمونی منطقه ای است.

علاوه بر این، شی جین پینگ اخیراً با رهبران کومین تانگ در تایوان مذاکراتی داشته است، که آشکارا هدف آن پرورش

## سوگند به اول ماه مه

و

## به فریاد « آزادی انسان » که آن روز می آید!

روزی خواهد رسید که هیچ کارگری تنها نیست: به یاد فاوست‌هایی که برای آزادی جنگیدند

نویسنده، فوشی ده (傅士德) - پایگاه ناظر چین

ترجمه: مجله جنوب جهانی

در آستانه روز جهانی کارگر، شاید عجیب به نظر برسد که خود «کار» به موضوعی بدل شود که بسیاری ترجیح می‌دهند از آن سخنی به میان نیاورند. تعطیلات، فرصتی برای گریختن از کار است و اگر کسی امروز دم از «شرف کار» بزند، چه بسا شنونده گمان کند قصد طنز دارد.

هر که یک بار طعم اشتغال تمام‌وقت را چشیده باشد، خوب می‌داند که خستگی آن تا کجاست و کم نیستند کسانی که به زبان طنز از این رنج گفتگو کرده‌اند.

با این همه، انسان موجودی سراسر تناقض است: از بسیاری کار، فرسوده می‌شود و از بی‌کاری، افسرده. پس مدام بی‌قرار است و می‌خواهد با نیروی تن و ذهن خود دست به کاری بزند.

حتی آن کس که از همه بیشتر از کار بیزار است، اگر چون شخصیت «تنبلی» در فیلم «هفت گناه کبیره» مجبور باشد بر بستری بخوابد و هیچ نکند، این وضع برایش از مرگ هولناک‌تر خواهد بود.

پس مردم از کاری که برایشان درآمد دارد می‌گیرند، اما با اشتیاق تمام به کارهایی رو می‌آورند که درآمدی به دنبال ندارد: آشپزی، باغبانی، ماهی‌پروری، بازی‌های رایانه‌ای. شاید پرسیدید: مگر بازی کردن هم کار محسوب می‌شود؟

بی‌تردید، این روزها صنعت «خدمات جانبی و حرفه‌ای در بازی‌ها» (که با عنوان‌هایی چون «دستیار بازی» یا «بازیکن حرفه‌ای اجاره‌ای» شناخته می‌شود) چنان گسترش یافته که بیشتر بازی‌ها بازاری ویژه دارند. اگر کسی حاضر باشد برای دیگری «امتیاز جمع‌کند» یا نقش یکی از این بازیگران اجاره‌ای را بپذیرد، می‌تواند از این طریق درآمدزایی کند.

واقعیت آن است که بسیاری چنین مسیری را برمی‌گزینند، چراکه خود از بازی لذت می‌برند و دستمزد نیز دریافت می‌کنند. اما برای بیشتر مردم، بازی برای لذت شخصی است و اگر به شغلی تمام‌وقت بدل شود، چه لذتی از آن باقی می‌ماند؟ بسا اوقات، آنان که در بازی چیره‌دستانند، راهنمایی دیگران را بی‌چشم داشت دوست دارند، اما به محض آنکه این کار شکل شغلی درآمدزا پیدا کند، از انجام آن سر باز می‌زنند.



I swear by May Day and the cry of "human freedom" that comes that day.

Free TiBuna, Selection in May 1, 2026



خود من نیز این روزها در کار نوشتن همین حس را دارم. وقتی فراغتی می‌یابم و پیرامون موضوعی دلخواه پژوهش کرده و می‌نویسم، این کار برایم تفریحی لذت‌بخش است، چه پولی در میان باشد چه نباشد. اما اگر در چهارچوب شغلی زیر نظر مدیر، ناچار به تدوین گزارشی باشم، چنان دلم به حال خود می‌سوزد که گویی مگسی بلعیده‌ام - با آنکه می‌پندارم آدمی پژوهش‌دوست و اهل قلم هستم.

پس اگر مروری بر کارهایی بیندازیم که برایمان حس دستاورد و رضایت به ارمغان آورده‌اند، درمی‌یابیم که کار می‌تواند شریف و دوست‌داشتنی باشد. مشکل نه در ذات کار، بلکه در این است که برای چه کسی کار می‌کنیم و چه کاری انجام می‌دهیم.

چنان که مارکس در دست‌نوشته‌های اقتصادی-فلسفی ۱۸۴۴ به زیبایی توصیف کرده، هنگامی که کار دچار از خودبیگانگی می‌شود:

«کارگر در کار خویش نه خود را تأیید، که نفی می‌کند. احساس شادی نمی‌کند، بلکه بدبختی را حس می‌کند. نیروی جسمی و فکری خود را آزادانه به کار نمی‌گیرد، بلکه تنش را گسترش می‌دهد و جانش را آزرده می‌سازد. از این رو، کارگر تنها در بیرون از کار با خود آسوده است و درون کار بی‌قرار. در زمان بیکاری احساس شادکامی دارد و در زمان کار احساس ناخوشایندی.»

به انصاف، دوران ما نسبت به روزگار مارکس - که امید به زندگی یک کارگر در آن حدود بیست سال بود - گام‌های بلندی به پیش برداشته است. دست‌کم اکنون بسیاری از ما و نه همه ما آن «شکنجه» مرگ‌بار گذشته را در کارمان تجربه نمی‌کنیم و گرفتار چنان فقر مطلق نیستیم که چون نمونه‌های مارکس برای «مرگ دسته‌جمعی» به کارخانه‌ها هجوم ببریم. ارتقای سطح زندگی و وجود حداقلی از شبکه تأمین اجتماعی، به افراد بیشتری قدرت انتخاب شغل و امکان دستیابی به رضایت در کار را بخشیده است.

برخلاف کارگران سده نوزدهم که می‌دانستند برای مرگ به سر کار می‌روند، بسیاری از انسان‌ها در جامعه امروزی در کار خود شکنجه‌ای مستقیم نمی‌بینند، بلکه بیشتر با سرخوردگی روبه‌رو می‌شوند: روزگاری امید داشتند در شغل خود به رضایتی دست یابند - چه به خاطر وعده‌های شیرین کارفرما و چه به دلیل پیش‌بینی خوش‌بینانه از حرفه خود - اما سرانجام درمی‌یابند که کار هنوز از آن ایشان نیست و همچنان بیگانه است.

از دید روان‌شناختی، شاید این سرخوردگی دردناک‌تر باشد. اما از منظر اجتماعی، به مراتب به روزی که کار از آن خود مردم شود نزدیک‌تر شده‌ایم تا روزگاری که هیچ‌امیدی در کار نبود؛ هرچند راه دراز همچنان باقی است.

در این سال‌های شتابان پیشرفت هوش مصنوعی، شوق انسان به مالکیت کار خویش با چالش تازه‌ای روبه‌رو شده است. از یک سو، کسی میل به کار بیگانه با خود ندارد و از سوی دیگر، شاید روزی هوش مصنوعی چنان بر صندلی او نشیند که حتی آن کار از خودبیگانه هم از کفش برود. چنان که ضرب المثلی می‌گوید: «هولناک‌تر از استثمار شدن، آن است که فرصت استثمار شدن را هم از دست بدهی.»

اما اگر شعارهای تهی را کنار بگذاریم و از دام دام‌زدن به اضطراب فرار کنیم، می‌بینیم که هوش مصنوعی و ربات‌ها هنوز تا جایگزینی کار انسان فاصله‌ای بسیار دارند. این ابزارها در ذات خود، وسایل تولیدند نه خود تولیدکنندگان. فراهم کردن زیرساخت‌های مادی برای هوش مصنوعی، نگهداری و بهره‌برداری از آن، و همچنین به‌کارگیری آن در امور گوناگون، همگی نیازمند انبوهی از کار انسانی است.

تنها آنچه موجب نگرانی پرسر و صدای گروهی از دارندگان مشاغل نسبتاً پردرآمد پیشین شده، این است که هوش مصنوعی بساط برخی از ایشان را برچیده است؛ همان‌ها که اغلب از نفوذ کلام بالایی برخوردارند و خود را نماینده کل جهان می‌پندارند. آن‌گاه که شغلی با ویژگی‌های خاص کنار می‌رود، فریاد برمی‌آورند که کار تمام انسان‌ها بی‌معنا شده است؛ با این همه خرد اندک خود را به پای خرافه‌پرستی درباره هوش مصنوعی می‌ریزند. هر کس اندکی در اینترنت بگردد و ببیند مردم با کمک این ابزار چه آثاری می‌آفرینند، درمی‌یابد که هوش مصنوعی به یاری خلاقیت انسان آمده، نه آنکه بخواهد جای آن را بگیرد.

البته این سخن بدان معنا نیست که هوش مصنوعی هیچ تأثیری بر کار انسان ندارد. تأثیر آن چنان که برخی می‌گویند جادویی و رمزآلود نیست، بلکه همچون پیشرفت‌های فنی در تمام طول تاریخ، بن‌بست اصلی آنجاست که تعیین می‌کند چه کسی صاحب وسایل تولید است. فرقی نمی‌کند از خط تولید سخن بگوییم یا از هوش مصنوعی؛ تا این ابزارها در انحصار گروهی اندک باقی بماند، پیشرفت فنی تنها به از خودبیگانگی بیشتر کار و ژرف‌تر شدن استثمار خواهد انجامید. تنها هنگامی که توده کارگران نیز بتوانند بر وسایل تولید چیره شوند، پیشرفت فنی قادر خواهد بود ارزش راستین کار را آشکار سازد.

پرسش این است که آیا انسان‌ها می‌توانند قدرت کار خود را به دست خود گیرند؟ این هدف هم نیازمند رشد نیروهای تولیدی است و هم - و این هرگز تنها با رشد تولید به دست نمی‌آید - مبارزه برای رهایی تمام انسان‌ها پیوندی ناگسستنی دارد.

«آزادی تمام انسان‌ها» شاید آرمانی دور و دست‌نیافتنی به نظر رسد، اما کدام یک از آدمیان عصر حاضر می‌تواند خود را از پیوند با این چشم‌انداز رها بداند؟ هر چند راه تاریخ پرفرازونشیب بوده، همواره پیشرفتی در میان است. ما از امکانات و عمری برتر از نسل پیشین خود برخورداریم و آزادی بیشتری را تجربه می‌کنیم.

اگر نبود آن فداکاری‌های انقلابیون و کارگران در راه این آرمان سوسیالیستی، تاریخ هرگز خودبه‌خود به پیش نمی‌رفت و جامعه ما امروز خودبه‌خود به این نقطه نمی‌رسید. از آنجا که در سرزمین نوپای چین زندگی می‌کنیم، این حقیقت را بهتر از دیگران درمی‌یابیم. در پرتو فداکاری‌ها و جان‌نثاری‌های همان کارگران والامقامی زنده‌ام که با تمام وجود به «آینده آزادی انسان سوسیالیستی» ایمان داشتند؛ ایمانی که خونشان را جوشن کرد و رنجشان را به امید بدل ساخت. من، که فرزند همان تبارم، با همه جان باورم که سرانجام، دست‌در‌دست هم، بر بلندای تاریخ، آن روز موعود فرا خواهد رسید؛ روزی که دیگر هیچ کارگری زیر یوغ استثمار خم نشود و هیچ انسانی بنده انسان دیگر نباشد.

شاید نسل ما به تمام‌آزادی انسان دست نیابد، اما در مسیر آن زیست می‌کنیم، از برکات آن بهره می‌بریم و سهم ناچیز خود را در تحققش ادا می‌کنیم.

در دوران کهن، نیروی محرک کار و زندگی آدمیان غالباً از باورهای دینی سرچشمه می‌گرفت. اما برای ما که در جهان سکولار امروزی زیست می‌کنیم، این نیروی والا جز در خود انسان نمی‌تواند جای گیرد.

نمی‌دانم دیگران چه احساسی دارند؛ اما اگر ببینم انسان به سوی آینده‌ای بهتر گام برمی‌دارد و اگر بتوانم در این راه نقشی کوچک ایفا کنم، هنگام مرگ چون فاوست بی‌حسرت خواهم بود.

البته شاید من در روزگار خوشی از دنیا نروم، یا به دلیلی نیکو نباشد. اما چه باک؟ انسان در ذات خود پیچیده است و تاریخ پر از پیچ و خم. توقع تحقق بی‌درنگ آرمان‌شهر و پایان تاریخ، توهمی کودکانه است که به روان فرد و پیشرفت جامعه کمکی نمی‌کند. دانستن محدودیت خواست آدمی، و شناخت بیرحمی و بی‌مهری جهان عینی، به ما می‌فهماند که هر قدم رو به جلو چقدر ارجمند و گران‌بها به دست آمده است.

بسا دستاوردهای انسانی که در مسیر تاریخ به خاکستر فراموشی سپرده شده، و ما نیز از آن مستثنا نیستیم. اما این، بخش جدایی‌ناپذیر حرکت تاریخ است و هیچ چیزی بی‌حاصل نبوده است.

پس من تا زنده‌ام، هر روز که کار کنم، یک روز بیشتر شاهد پیشرفت انسان بوده و سهمی هرچند ناچیز در جامعه بشری ایفا کرده‌ام؛ هر جا که توانسته‌ام. این انگیزه من برای ماندن است و نیز همان چیزی که مرگ را برایم پذیرفتنی می‌کند.

باشد که به آغاز بازگردیم: چرا کار شریف است؟ از آن رو که انسان چون به پایان راه کار خود رسید، می‌تواند لب به گفتن این سخن بگشاید:

«ارزشمندترین سرمایه، زندگی است. زندگی را هر کس تنها یک بار می‌یابد. و باید آن چنان زیست که هنگام بازگشت به گذشته، نه از روزگار تلف شده پشیمان باشد و نه از پستی و ابتذال شرمند؛ و در دم مرگ توان گفت: تمام زندگی و نیروی خویش را وقف شکوهمندترین آرمان جهان کردم: نبرد برای آزادی تمام بشریت.»

فوشی ده (傅士德)

پایگاه ناظر چین

اول ماه می ۲۰۲۶ م.

انسان موجودی اجتماعی است و نمی‌تواند از کار دیگران بی‌نیاز باشد. نوشته‌ای که اکنون بر صفحه می‌آورم، نه فقط حاصل کار شخصی من، که وامدار آموزش خانواده و جامعه، وامدار صلح و توسعه فراهم‌آمده در پرتو رشد ملی، و وامدار کارکنان صنوف گوناگون است که بستر زندگی مرا برایم مهیا می‌کنند. آری، این عوامل دیگران چون هوا در همه‌جا حاضرند و گاه نادیده می‌شوند، اما نادیده‌انگاری هرگز از اهمیتشان نمی‌کاهد.

هر عضو جامعه انسانی، مدیون خدمات دیگر اعضاست. و از سوی دیگر، هر فرد شاغل در این جامعه، به نحوی دیگران و جامعه را از کار خویش بهره‌مند می‌کند.

حال اگر جهش بزرگتری بکنیم، تا هنگامی که نهضت پیشرفت آزادی‌بخش انسان ادامه دارد، هر کار به ظاهر معمولی ما، آجر دیگری است بر بنای شکوهمندترین آرمان جهانی.

البته این پندهای بزرگ، آیا می‌تواند مرا قانع کند که هر روز سر کار بروم و با انواع رفتارهای عجیب و غریب و دشوار روبه‌رو شوم؟ صادقانه بگویم، نه چندان. فشار حقوق و دستمزد همیشه از نصایح بزرگ قانع‌کننده‌تر است.

ولی انسان تازنده است و کار می‌کند، به نیرویی فراتر از خواسته‌های مادی نیاز دارد تا او را به پیش براند؛ باشد آن نیرو حس دستاورد، یا هر چیز دیگر. اگرچه این روزها سخن از «ایده‌آل‌گرایی» شنونده را به تنگ می‌آورد - و چه بسا که ایده‌آل‌گرایی پوششی برای منافع شخصی بوده - اگر همه تنها به سود خود بیندیشند و ذره‌ای آرمان نداشته باشند، بقای جامعه انسانی ناممکن می‌شود. نمی‌توان انتظار داشت که تنها خودمان سودطلب باشیم و دیگران آرمان‌گرا.

برعکس، اگر انسان هیچ آرمانی در سر نداشت، می‌بایست بی‌هیچ قید اخلاقی، هر چه بیشتر به دنبال خوشی و ارضای غرایز باشد و از هیچ بدی فروگذار نکند. گمان نمی‌کنم بسیاری از ما چنین باشیم؛ وگرنه جامعه امروزی این شکل را نداشت.

بنگرید به فاوست که اهریمن هر چه خواست در برابرش نهاد؛ هر آرزویی برآورده شد. آیا او شادمان گشت؟ نه. قدرت، دانش، زن - همه به تراژدی انجامیدند و فاوست راه به معنای زندگی نیافت.

سرانجام، فاوست نابینا صدای کار و پویایی مردم را شنید و پنداشت که آنان را به ساختن بهشت روی زمین رهبری می‌کند (در حالی که در حقیقت مشغول کندن گور خودش بودند). در همین دم بود که شادمانی را احساس کرد، از جستجو بازماند و با آرامش از جهان رفت تا به آسمان بالا رود.

## گزارشات مختصر اول ماه می ۲۰۲۶ از تظاهرات کارگران آسیایی

آسیای جنوبی - آسیای جنوب شرقی - آسیای شرقی

( هند - بنگلادیش - پاکستان - اندونزی - تایلند - کره جنوبی - جاپان )

در چندین کشور آسیایی، اول ماه می بیانگر اراده روشن طبقه کارگر صنعتی، کشاورزی و حتی بخش خدمات برای مبارزه بود و از نظر معنایی - و گاهی به طور آشکار - به مبارزه تاریخی برای کاهش ساعات کار که از اول ماه می ۱۸۸۶ در شیکاگو آغاز شد، پیوند داشت. بنابراین این روز دارای ماهیتی طبقاتی و انترناسیونالیستی بود.

### هند:

در هند، چند صد و در برخی موارد هزاران تجمع برگزار شد که توسط بزرگترین مراکز اتحادیه‌ای و مرتبط با احزاب مختلف کمونیستی و حزب کنگره سازمان‌دهی شده بود. این تجمع‌ها خواستار لغو چهار قانون جدید کار بودند؛ قوانینی که ۲۹ قانون حمایتی کارگران را که طی دهه‌ها مبارزه به دست آمده بود، تضعیف می‌کنند و حق جهانی کار ۸ ساعته را از بین می‌برند. رهبران اتحادیه‌های کارگری همچنین از تلاش شرکت‌ها برای افزایش شیفتهای کاری تا ۱۲ ساعت یا بیشتر و نبود پرداخت مناسب اضافه کاری انتقاد کردند.

در راهپیمایی‌ها و تجمعات کارگری، شعارهایی برای «برابری دستمزد برای کار برابر»، افزایش قابل توجه حداقل دستمزد، و بهبود حمایت‌های اجتماعی برای بخش غیررسمی کار مطرح شد؛ بخشی که هنوز اکثریت کارگران هند را تشکیل می‌دهد و از خدمات درمانی، بازنشستگی و سازماندهی اتحادیه‌ای محروم است.

### تظاهرات در تریواندروم، ایالت کرالا - هند:

در هند همچنین نگرانی‌های شدیدی درباره افزایش هزینه‌های سوخت و انرژی وجود داشت که با درگیری‌های جاری در خاورمیانه مرتبط دانسته می‌شود و نیاز به افزایش دستمزدها را برجسته می‌کرد.

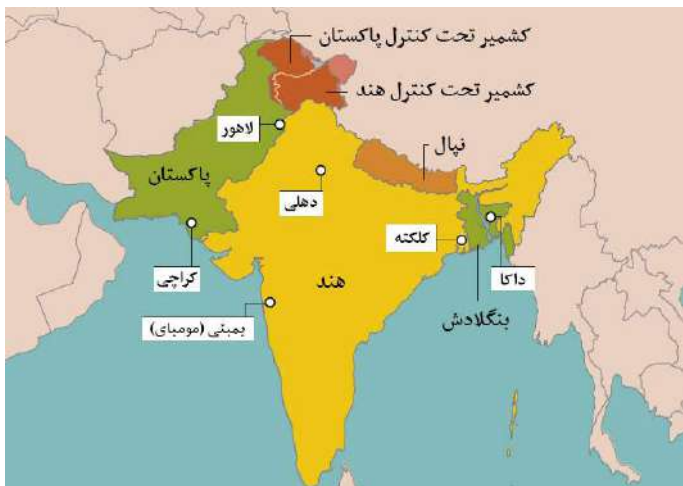
اتحادیه «بهارتیه مزدور سنگهه» (BMS) طرفدار دولت که ۱۷ میلیون عضو اعلام کرده، در این تظاهرات شرکت نکرد. «حزب مردم هند» (BJP) به رهبری نارندرا مودی در این سال‌ها توانسته با تحریک نفرت مذهبی علیه مسلمانان، توده‌های هندو را کنترل کند بدون آن که امتیازات اصلاحی مهمی ارائه دهد.

### بنگلادیش:-

در داکا (بنگلادش)، طبقه کارگر به‌ویژه کارگران صنعت پوشاک که اکثریت آنان زن هستند، به صورت گسترده تظاهرات کردند و عمدتاً خواستار افزایش حداقل دستمزد به ۳۰ هزار تاکا (حدود ۲۱۰ یورو) شدند.

### پاکستان:

در لاهور پاکستان، اول ماه می شاهد راهپیمایی طولانی رانندگان ریکشا به طول ۲۳ کیلومتر بود.



### اندونزی:

در اندونزی وضعیت پیچیده‌تر بود. رئیس‌جمهور این کشور، جنرال سوبیانگو، تا حدی اول ماه می را با حمایت فدراسیون‌های اتحادیه‌ای و حتی حزب کارگر به نفع خود صادر کرد و در تجمعی در برابر بنای یادبود ملی (Monas) در مرکز جاکارتا سخنرانی کرد. در این مراسم حدود ۲۰۰ هزار نفر شرکت داشتند و محور آن همکاری میان دولت و کارگران بود، همراه با بحث درباره سیاست‌های رفاهی برای رانندگان پلتفرم‌های دیجیتال و تصویب کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار.

در مقابل پارلمان، حدود ۱۰ هزار کارگر در تظاهراتی علیه دولت به ابتکار «ائتلاف جنبش کارگری با مردم» (Gebrak) تجمع کردند. این ائتلاف شامل چندین اتحادیه و سازمان مدنی از جمله «کنفدراسیون کنگره ائتلاف اتحادیه‌های کارگری اندونزی» - (KASBI)، «فدراسیون مبارزه کارگران اندونزی» - (FPBI) و «فدراسیون اتحادیه‌های کارگران مواد غذایی و نوشیدنی» - (FS-BMM) بود.



«کنفدراسیون کنگره ائتلاف اتحادیه‌های کارگری اندونزی» خواستار افزایش حداقل دستمزد، لغو برون‌سپاری، بازنگری قوانین کار ۲۰۲۳ که به بی‌ثبات‌سازی کار منجر می‌شود، توقف اخراج‌های گسترده، افزایش حمایت از معلمان و کارکنان بهداشت و حقوق کارگران پلاتفرمی شد. همچنین خواسته‌هایی مانند دسترسی آزاد به آموزش و صحت، برتری قدرت غیرنظامی بر نظامی و پایان تخلیه اجباری کشاورزان از طریق اصلاحات ارضی مطرح شد. دولت برای مهار این اعتراضات ۲۵ هزار پلیس مستقر کرده بود.

تظاهرات مشابهی در باندونگ و دیگر شهرها نیز برگزار شد.

### تایلند:

در بانکوک (تایلند)، دولت لیبرال-پوپولیست فیو تای با حمایت اتحادیه‌های سازش‌کار تلاش کرد اول ماه می را مدیریت کند. وزیر کار در تجمع پایانی حضور یافت و وعده بررسی ۸ خواسته اتحادیه‌ها از جمله تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی کار، ایجاد صندوق برای کارگران اخراج‌شده و افزایش حمایت‌های اجتماعی را داد. اما اتحادیه‌ها گفتند این وعده‌ها بارها تکرار شده و عملی نشده‌اند.

در این مرحله، وضعیت به مرحله «امتیازدهی یا وعده‌های اصلاحی» در برابر رشد جنبش کارگری رسیده است؛ مرحله‌ای که در ایتالیا مدت‌هاست بسته شده است.

### کره جنوبی:

در کره جنوبی، اول ماه می برای نخستین بار به عنوان تعطیل ملی اعلام شد. با توجه به قدرت «کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری کره» (KCTU) - با بیش از یک میلیون عضو، حکومت تلاش کرد امکان استفاده از این روز برای اعتصاب را محدود کند.

«کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری کره» تجمع «روز جهانی کارگر ۲۰۲۶» را در نزدیکی ایستگاه گوانگومون در سئول برگزار کرد و خواستار به رسمیت‌شناختن کارگران قراردادی خاص به‌عنوان کارگر رسمی شد.

رئیس «کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری کره»، یانگ کیونگ-سو گفت که ۶۳ سال طول کشید تا روز کارگر دوباره به نام اصلی خود بازگردد و تأکید کرد که باید حقوق اساسی کارگران از طریق قانون و نهادها تضمین شود.

او همچنین به وضعیت بیش از ۱۰ میلیون کارگر موقت و قراردادی اشاره کرد که حقوق کامل قانونی برایشان تضمین نشده است و بر ضرورت اعتصاب عمومی در جولای ۲۰۲۶ تأکید کرد.

### جاپان:

در جاپان نیز حدود ۲۸۰ هزار کارگر در تظاهرات اول ماه می شرکت کردند (۴۰ هزار نفر در توکیو). این اعتراض‌ها توسط «کنفدراسیون ملی اتحادیه‌های کارگری جاپان» - (Zenroren)، برگزار شد و علیه اصلاحات دولتی در آموزش و بهداشت و نیز روند نظامی‌سازی کشور و بازنگری قانون اساسی بود.



# اول ماه می و مبارزه در عرصه ایدئولوژیک

از مجله مائوئیستی «نظریه» (Nazariya)

حزب کمونیست هند (مائوئیست)

ارسالی رفیق کی ران (دوشنبه، ۴ می ۲۰۲۶)

ترجمه: کمیته روابط بین المللی

"اگر از پا افتاده بی، برخیز

اگر شکست خورده بی، باز بجنگ!

آنکس که جایگاه خویش را شناخت، چگونه میتوان بازش داشت؟

چرا که شکست خوردگان امروز، فاتحان فردایند

و «هرگز» به «هم امروز» تبدیل میشود. «(برتولت برشت، در ستایش دیالکتیک).

اول ماه می امسال پس از ضرب الاجلی از سوی دولت هند فرا می رسد که هدف آن نابودی مائوئیسم «چه در قالب قلم و چه در قالب تفنگ» بود.

اما این دولت در هیچ یک از این دو موفق نشد؛ مارکسیزم-لنینیسم-مائوئیسم در هند همچنان، هم در عرصه قلم و هم در عرصه تفنگ زنده است.

دولت هند، همچون سگ هار امپریالیسم که افساری بر آن نیست، بر تمام توده های انقلابی و نیروهای کمونیستی که از تسلیم شدن خودداری می کنند، حتی به بهای جان شان، یورش برده است. این دولت که در جایگاه یک واسطه کمپرادور و وابسته به امپریالیسم گرفتار شده است، و جایگاهش میان دولت های رقیب جنوب آسیا که برای کسب همان امتیازات رقابت می کنند بالا و پایین می شود، در تلاش است تا هر نوع مقاومت، چه مسلحانه و چه غیرمسلحانه، را از میان بردارد؛ مقاومتی که می تواند فشارهای فزاینده اقتصادی داخلی و خارجی را که از پیش با آن روبه رو است، تشدید کند.

بعد درونی این مبارزه طبقاتی مرگ و زندگی میان پرولتاریا و بورژوازی، که جنبش انقلابی را نه از بیرون بلکه از درون آن به چالش می کشد، خط «اپورتونیزم-انحلال طلبی-روزیونیسم» (OLR) است. این حوزه متعلق به کسانی است که از سر یاس قادر به درک علل شکست ها نیستند، در جایی که باید فکر کنند هیاهو می کنند، و به جای یافتن راه خروج، تنها درباره «تغییر زمانه» سر و صدا به پا می کنند؛ گویی این امر می تواند توجیهی برای کنار گذاشتن ابتدایی ترین اصول مارکسیزم باشد.

برعکس، برای خط چپ، درس های بنیادی مارکسیزم دقیقاً در دوره های شکست و عقب نشینی تأیید می شوند. تغییر شرایط و شکست ها نه نادرستی اصول مارکسیزم را ثابت می کند، بلکه درستی آن ها را نشان می دهد، و وظیفه پیش رو دقیقاً این است که این اصول به شرایط کنونی تعمیم و ارتقا داده شوند.

خیانت، فریب و پشت کردن به پرولتاریای بین المللی، مسیر کسانی بوده است که راه تسلیم و انحلال حزب کمونیست هند (مائوئیست) را در پیش گرفته اند. مجله ما در گذشته بارها این خیانت ها را برای خوانندگان خود افشا کرده و در رابطه با موضع مائوئیستی - که در تداوم بهترین درس های تاریخ انقلابی کمونیسم شکل گرفته است - پوچی کامل این گرایش ها را روشن ساخته است.

اما ما باید فراتر برویم و پناهگاه مشترک کسانی را افشا کنیم که پس از آن که در انجام وظایف پیش روی پرولتاریای بین المللی خود را آلوده و رسوا ساخته اند، از صفوف آن گریخته اند. این خائنان چه می خواهند؟ آنان پس از ترک مارکسیزم، اکنون با لبخندی

NAZARIYA



THE MARXIST-LENINIST-  
MAOIST PERSPECTIVE ON  
POST-MODERN THOUGHT

A NAZARIYA MAGAZINE BOOKLET

Recommended Contribution- Rs 50

THE MARXIST-  
LENINIST-MAOIST  
PERSPECTIVE ON  
POST-MODERN  
THOUGHT

BY NAZARIYA

موزیانه، شانه‌به‌شانه همان جلدانی ایستاده‌اند که خون توده‌های کارگر را مکیده‌اند، و آن سندی را بالا می‌برند که «برای اکثریت عظیم مردم هند حتی ارزش کاغذ توالت را هم ندارد»<sup>۱</sup>.



دوندرا فادناویس، وزیر دارایی ایالت ماهاراشترا، نسخه‌ای از قانون اساسی هند را به مالوجولا ونوگوپال رائو (سونو) تقدیم کرد.

قانون‌گرایی، مشروطه‌گرایی و پراگماتیسم - که اغلب در قالب همان خوکدانی پارلمنتاریستی نمایان می‌شود - جایی است که انحلال‌طلبان ما به آن رسیده‌اند.

و آنان در این مسیر تنها نیستند! آنان در بهترین همراهی با همان جناح قدیمی کارگری بورژوازی، در کنار جریان‌های مختلف هویت‌گرا و پراگماتیست درون طبقه حاکم هند قرار دارند. این نیروها در بهترین حالت، تنها می‌توانند چالشی ناتوان در برابر منافع فوری دولت هند ایجاد کنند؛ دولتی که در شرایط کنونی به سمت فاشیسم هندوتوایی برهمنی‌گرایش یافته است. اما همین نیروها برای حفظ مشروعیت بلندمدت این دولت در میان توده‌ها اهمیت دارند، و دستگاه فاشیستی نیز تا زمانی که این‌ها به عنوان اپوزیسیون در چارچوب نظم موجود باقی بمانند و امکان استفاده از نمایش دموکراسی توخالی را برای دولت فراهم کنند، به‌طور کامل از آن‌ها چشم نخواهد پوشید.

این جریان‌ها در واقع برای تبدیل شدن به شرکای مدیریتی دولت هند، از جمله در بازتولید روابط اجتماعی بورژوازی و فئودالی رقابت می‌کنند.

به بیان دیگر، آن‌ها به‌عنوان «تسمه‌های انتقالی» میان دولت و توده‌ها عمل می‌کنند؛ و این در واقع وارونگی نقش ارگان‌های حزب کمونیست است که به‌عنوان تسمه‌های انتقالی میان حزب و توده‌ها عمل می‌کنند. در حالی که ارگان‌های حزب، توده‌ها را در صفوف پرولتاریای آگاه به مبارزه سازمان می‌دهند، این نیروها رنج استثمار را دوباره به منطق دولت و شیوه‌های مدیریت بحران آن بازمی‌گردانند.

البته این تنها مسیر انحلال‌طلبان نیست؛ زیرا کسانی نیز هستند که بدون جهت‌گیری سیاسی روشن، به عناصر پراکنده و بی‌سازمان تبدیل شده‌اند و در نوعی رکود و رخوت فلج‌کننده، بدون اراده پایدار برای مبارزه فرو رفته‌اند. اما این وضعیت را که موضوع بحث ما نیست؛ آنچه ما هدف قرار می‌دهیم، نوع مشخصی از رویزیونیزم است که دقیقاً به دلیل فعال و سازمان‌یافته بودن، توانسته است توده‌ها را دوباره به درون منطق دولت هند و سازوکارهای آرام‌ساز آن منحرف کند.

«به سخنان خائنان لعنت!»؛ همه‌چیز از طریق قهر انقلابی به دست آمده است.

ما اول ماه می - این محصول مبارزه پرولتاریا که با خون به‌دست آمده است - را

به صرف یک مناسبت برای ژست‌های انقلابی و سینه‌زدن‌های شعاری محدود نمی‌کنیم؛ همان نمایش کهنه و مضحکی که جریان‌های متعدد با ادعای نمایندگی «نهایی‌ترین و اصیل‌ترین» برند مارکسیزم اجرا می‌کنند.

اول ماه می عرصه مبارزه دوخط است؛ زیرا تنها از طریق مبارزه با رویزیونیزم و راست‌روی است که مارکسیزم می‌تواند رشد کند - و باید هم رشد کند.

برخلاف نگاه بت‌پرستانه‌ای که مارکسیزم را یک دکترین کامل، تمام‌شده و غیرقابل تغییر می‌داند، ما به‌عنوان دیالکتیک‌دانان درک می‌کنیم که پرولتاریا در جریان مبارزه‌اش با سرمایه، همواره با تضادهای تازه‌ای روبه‌رو می‌شود که نیازمند انقلابی کردن خود نظریه‌اش است.

بنابراین، مبارزه با رویزیونیزم نمی‌تواند به معنای بازگشت ساده به ارتدوکسی باشد. بلکه مستلزم انقلابی کردن آگاهانه و پیوسته خود مارکسیزم است.

آنچه امروز در عرصه ایدئولوژیک در برابر مارکسیزم-لنینیزم-مائوتیسم قرار دارد، راست‌روی‌ای است که توسط خطوط اپورتونیزم - لیکویداسیون (انحلال طلبی) و رویزیونیزم (OLR) نمایندگی می‌شود؛ خطی که ادعا می‌کند آموزه انقلابی پرولتاریا می‌تواند با مسیر قانون اساسی آشتی داده شود و حزب پیشاهنگ پرولتاریا می‌تواند به‌صورت قانونی ساخته شود.

{Opportunism - Liquidationism - Revisionism (OLR)}

وقتی راست‌گرایان خواهان تسلیم شدند، گفتند که این کار را «برای مردم» انجام می‌دهند. همچنین، وقتی راست‌گرایان و رویزیونیست‌های بیرون از جنبش انقلابی به مائوتیسم به خاطر «بی‌اعتمادی کودکان به مردم» انتقاد می‌کنند، از همان زاویه به آن حمله می‌کنند.

این ادعاها باید یک‌به‌یک بررسی شوند، زیرا در بسیاری موارد، رویزیونیزم مطالبات خودانگیزه طبقه کارگر را به عنوان بیان اصلی و تعیین‌کننده سیاست کمونیستی مطرح می‌کند. دانش‌آموختگان لنین به‌خوبی می‌دانند چگونه در برابر این احمق‌ها (cretins) از خود دفاع کنند.

اکنون ببینیم چگونه دستگاه‌های اطلاعاتی و بوروکراسی بورژوازی در عمل به نفع انحلال‌طلبی مداخله می‌کنند، آن‌گونه که خودشان بیان کرده‌اند. این سخن از بادوگولا سوماتی، رئیس شعبه اطلاعات ویژه پلیس تلانگانا، درباره تسلیم شدن «دوویچی» است:

«آن‌ها در حال کنار گذاشتن ایدئولوژی خود نیستند. این باید کاملاً روشن فهمیده شود. او مارکسیزم-لنینیزم-مائوتیسم را نفی نمی‌کند.

آنچه آن‌ها به آن رسیده‌اند این است که فعالیت از دل جنگل‌های عمیق، همراه با سلاح، باعث شده نتوانند با «انقلاب ارتباطی» که در اطرافشان در حال رخ دادن است ارتباط برقرار کنند. و دقیقاً همین انقلاب ارتباطی چیزی است که اگر بخواهند ایدئولوژی خود را تبلیغ کنند به آن نیاز دارند — روش‌های قدیمی پنهان‌کاری و استفاده از لوله تفنگ دیگر در یک کشور دموکراتیک قابل دوام نیست...

از نظر ما، این بزرگ‌ترین پیروزی است. آن‌ها اکنون معتقدند که بهتر است اهداف خود را از طریق قانون اساسی دنبال کنند، نه از طریق لوله تفنگ — حتی اگر خود ایدئولوژی همچنان دست‌نخورده باقی بماند.»

چیزهای زیادی هست که می‌توان در اینجا برجسته کرد. نخست، تأکید معمول اندیشه بورژوازی بر محوریت فناوری، و نه مبارزه طبقاتی، به‌عنوان محور جنگ طبقاتی در مسیر انقلاب است. همین امر به‌تنهایی جدایی «دوویچی» از مائوتیسم را رقم می‌زند، اما این بزرگ‌ترین گناه او نیست.

گناه اصلی همان است که در اینجا اشاره شده و در مصاحبه‌های متعدد از هر

علیه پرولتاریای آگاه قرار دارد، توانایی عظیمی در درک روند و علم انقلاب نشان می‌دهد.

از همین رو، سوژه انقلابی باید درک کند که همان‌طور که دانش یک عنصر ثابت در سلطه طبقاتی بورژوازی است، برای طبقه‌ای که هدفش بازتولید شرایط استثمار خود نیست بلکه نابودی کامل آن روابط است، نیز امری غیرقابل چشم‌پوشی است.

در عصری که انباشت دانش بشری در دسترس همگان قرار دارد، توده‌ای که تنها نیرویش صرفاً «تعداد» باشد، از ابتدا محکوم به شکست است.

اما این یک خطای جدی خواهد بود اگر کسی نتیجه بگیرد که می‌توان بدون جذب و درونی‌سازی گنجینه دانشی که بشر اندوخته است، کمونیست شد. این تصور نیز غلط است که کافی است انسان صرفاً شعارهای کمونیستی و نتیجه‌گیری‌های علم کمونیسم را بیاموزد، بدون آن‌که آن مجموعه دانشی را که خود کمونیسم حاصل آن است فراگیرد. مارکسیزم نمونه‌ای است که نشان می‌دهد کمونیسم چگونه از مجموع دانش انسانی پدید آمده است. • ولادیمیر ایلیچ لنین<sup>۶</sup>

با این حال، این تحریف و مبهم‌سازی مارکسیزم فقط به سونو یا دوویچی محدود نیست، بلکه یک گرایش بنیادی در سراسر رویزیونیسم است؛ حتی در جناحی که از نظر لفظی «سرخ» تر است و خود را پرچم‌دار مبارزه‌جویی پرولتاریا معرفی می‌کند. نمونه‌ای که این نکته را روشن می‌سازد را می‌توان در بیانیه اخیر نشریه «شیپور کارگر» (Mazdoor Bigul) یافت.

چرا ما پس از بحث درباره بزرگ‌ترین خیانت در تاریخ جنبش کمونیستی هند، به انحراف یک سازمان نسبتاً ناشناخته قانون‌گرا اشاره می‌کنیم؟ باید اشاره کرد که موضوع فقط درباره دیگران نیست بلکه «این ماجرا به خود تو هم مربوط است» / «این حکایت درباره توست [اشاره به نشریه] اعتمادی که آنان به آن تکیه می‌کنند، و پایه‌های نظری‌ای که حول تقدیس مبارزه قانونی و قانون اساسی می‌سازند، همراه با همان سنت فاسد «انباشت نیروها» از طریق ابزارهای قانونی — در عصر امپریالیسم، زمانی که خود جنبش طبقه کارگر به دو جناح تقسیم شده است<sup>۷</sup> — بیان مشخصی از رویزیونیسم جدید انحلال‌طلبان است؛ رویزیونیسمی که آنان را به خدمت مستقیم و فوری در جهت تقویت سازوکارهای دولت و بازتولید روابط تولیدی موجود سوق می‌دهد.

این امر به روشنی در بیانیه اخیر آنان دیده می‌شود؛ جایی که از کارگران اعتصابی در نویدا خواسته‌اند به‌طور کامل «قانون‌مداری» را رعایت کنند و هرگونه انحراف از «آرامش» تحمیل‌شده توسط دولت هند را به‌عنوان انحراف آنارشیستی و ناکسالیته محکوم کرده‌اند.

این رفتاری آشکارا خیانت‌آمیز است؛ بیابید خط فکری بیانیه آنان را دقیق‌تر بررسی کنیم.

**اعتصابات کارگری نویدا و محدودیت‌های مبارزه‌جویی نشریه «شیپور کارگر» (بیگل)**

ما نمی‌توانیم در هنر افترا و بدگویی با نشریه «شیپور کارگر» و هم‌فکران ایدئولوژیک آن‌ها رقابت کنیم؛ هنری که در هر صورت کمتر خلاقانه و بیشتر خشن، سطحی و بی‌وقفه است. به نظر ما، این نوع ادبیات برای خواننده عادی بیشتر گیج‌کننده است تا برای ما که هدف مستقیم آن هستیم. ما قصد نداریم وارد آن نمایش جدلی و جدل‌محور شویم که با امکانات و نیروی محدودمان پیش ببریم؛ هدف ما روشن‌گری است نه توهین، و باور داریم که همچنان قادر هستیم محدودیت‌های خط فکری آنان را برای خوانندگان مان آشکار کنیم.

از اواسط اپریل امسال، کارگران صنعتی و کارگران خانگی در نویدا و نویدای بزرگ به‌طور خودجوش برخاسته‌اند و شمارشان به ده‌ها هزار نفر می‌رسد.

دو اردوگاه انحلال‌طلب «سونو» و «دوویچی» نیز ثابت می‌شود. با وجود اینکه می‌کوشند خود را متفاوت نشان دهند، در واقع یکی هستند. و آن این ایده است که اهداف استراتژیک پرولتاریا می‌تواند از طریق نهادهای طبقه دشمن تحقق یابد؛ این تصور که قانون اساسی، که صرفاً ابزاری برای فریب مردم است و همان‌گونه که به فاشیسم هندوتوایی برهمنی اجازه می‌دهد همان‌طور که پیش‌تر «نهادهای لیبرال» اجازه می‌دادند عمل کند، می‌تواند با ایدئولوژی‌ای سازگار شود که هدفش الغای وضعیت موجود است؛ ایدئولوژی‌ای که می‌خواهد قدرت دولتی را تصرف کند و سپس کل جامعه را دگرگون ساخته و در نهایت طبقات را به کلی از میان بردارد.

همکاری طبقاتی؛ کنار گذاشتن ایده انقلاب سوسیالیستی و روش‌های مبارزه انقلابی؛ سازگاری با ناسیونالیسم بورژوازی؛ تبدیل قانون‌گرایی بورژوازی به یک بت؛ و کنار گذاشتن دیدگاه طبقاتی و مبارزه طبقاتی به خاطر ترس از دور کردن «توده‌های وسیع مردم» (یعنی خرده‌بورژوازی) — این‌ها بدون شک پایه‌های ایدئولوژیک اپورتونیسم هستند. • ولادیمیر ایلیچ لنین<sup>۴</sup>

این به این معنا نیست که مسیر قانونی برای کمونیست‌ها بی‌فایده است؛ برعکس، کمونیست‌ها تلاش می‌کنند از همه اشکال مبارزه استفاده کنند. اما این موضوع هیچ توجهی برای از دست دادن دیدن اصول بنیادی مارکسیزم نیست؛ همان تضاد بنیادی آنتاگونیستی که مبارزه طبقاتی از طریق آن و نیز مرکزیت خشونت انقلابی در آن رشد می‌کند.

همان‌طور که لنین بارها توضیح داده است:

«ما نباید سوسیالیسم را طوری تصویر کنیم که گویی سوسیالیست‌ها آن را روی یک سینی، کاملاً آماده و آراسته برای ما خواهند آورد. چنین چیزی هرگز رخ نخواهد داد. هیچ مسئله‌ای از مبارزه طبقاتی در تاریخ تاکنون بدون خشونت حل نشده است. وقتی خشونت از سوی مردم کارگر، از سوی توده‌های استثمارشده علیه استثمارگران اعمال می‌شود. در آن صورت ما طرفدار آن هستیم! و ما به هیچ وجه از فریادهای کسانی که آگاهانه یا ناآگاهانه در کنار بورژوازی ایستاده‌اند، یا از آن‌ها می‌ترسند و زیر سلطه آن‌ها فلج شده‌اند، دچار اضطراب نمی‌شویم؛ کسانی که از دیدن این شدت بی‌سابقه مبارزه طبقاتی دچار وحشت می‌شوند، گریه می‌کنند، همه اصول خود را فراموش می‌کنند و از ما می‌خواهند کار ناممکن انجام دهیم:

این‌که سوسیالیست‌ها بدون جنگیدن علیه استثمارگران و بدون سرکوب مقاومت آن‌ها به پیروزی کامل برسند» • ولادیمیر ایلیچ لنین<sup>۵</sup>

همچنین جالب است که در همان مصاحبه، رئیس شعبه اطلاعات ویژه (SIB) توضیح می‌دهد که چگونه این روند در واقع پایه‌های ایدئولوژیک کمونیست‌ها را تضعیف می‌کند. از نظر او این کار نیازمند سه چیز است: نخست، درک عمیق از ایدئولوژی مائوئیستی؛ دوم، شناخت جنبش و فلسفه آن؛ و سوم، شناخت جنبه‌های شخصی رهبری و تاریخ آن، یعنی شیوه شکل‌گیری آن از درون صفوف پایین.

همه این‌ها نشان می‌دهد که بورژوازی تا چه اندازه با رویکردی حساب‌شده و پیچیده تلاش می‌کند کمونیسم را از درون تضعیف کند. هرچند جهان‌بینی بورژوازی تنها می‌تواند برخی جزئیات مارکسیزم را به‌صورت محدود و ناقص درک کند و آن را به‌عنوان یک نظام جهانی که پرولتاریای آگاه را به سوژه انقلابی جهانی تبدیل می‌کند درک نمی‌کند. سوژه‌ای که نه فقط خود، بلکه تمام بشریت را آزاد می‌سازد. با این حال، همچنان قادر است این آموزه را دست‌کاری کند و به خائنان ابزار توجیه بدهد.

اما نکته اصلی این است که مطالعه مارکسیزم-لنینیسم-مائوئیسم، و به‌ویژه درون آن دکتربین نظامی و تحلیلی آن، توسط روشنفکران بورژوا و اندیشکده‌هایشان بسیار جدی گرفته می‌شود. طبقه دشمن، که در یک مبارزه مرگ و زندگی

مسالمت‌آمیز، قانونی و در هر شرایطی محدود به ابعاد اقتصادی آن‌ها ننگ دارد — و توده کارگر خشمگین، استثمارشده و تحقیرشده، وجود دارد.

پرولتاریایی که دیگر قادر به تحمل وضعیتی نیست که او را تا مرزهای بقا تحت فشار قرار داده است، در نخستین واکنش خود به مراکز قدرتی حمله می‌کند که در دسترس‌تر هستند: کارخانه‌ها تصرف می‌شوند، در جایی ماشین‌آلات به آتش کشیده می‌شوند، در جایی دیگر وسایل نقلیه شکسته می‌شوند، و البته پولیس هرگز از پیامدهای پولیس بودنش فرار نمی‌کند.

ابتکار و وضوح بسیار بیشتری متعلق به آن کارگران غیرسازمان‌یافته‌ای است که نخستین واکنش‌شان — برخاسته از فشار روزمره جامعه طبقاتی — این نیست که برای انتخاب زمان اعتصاب از صاحب کارخانه یا دولت اجازه بگیرند؛ در مقایسه با «شیپوری‌ها» که برای آن‌ها قانون‌مداری از پیش افق مبارزه است، و اعتقاد دارند که تنها اختلال اقتصادی برای جنبش کارگری کافی است، و با نوعی جدیت عجیب، دولت را به‌خاطر عمل کردن مانند دولت سرزنش می‌کنند. بیانیه آن‌ها چنین است:

**«ما باید جنبش خود را به‌صورت منظم و سازمان‌یافته پیش ببریم. چیزی که واقعا مالکان و مدیریت را آزار می‌دهد، اعتصاب است. زیرا اعتصاب یعنی توقف کار، و چرخ‌استثمار آن‌ها را متوقف می‌کند. فراتر از این، هیچ چیز دیگری برای آن‌ها اهمیت ندارد. برای اینکه اعتصاب ما با موفقیت ادامه یابد، ضروری است که اعتراضات و تظاهرات خود را به‌طور کامل مسالمت‌آمیز انجام دهیم، از هرگونه تحریک خودداری کنیم، و از هرگونه وضعیت بی‌نظمی و قانون‌گریزی پرهیز نماییم.»** (با تأکید در متن اصلی)

بیانیه آن‌ها دو چیز را می‌پذیرد: نخست اینکه جنبش کنونی واقعاً غیرسازمان‌یافته است، یعنی خودانگیخته (spontaneous)، و دوم اینکه دولت در سرکوب آن جدی است. افزون بر این، آن‌ها باور دارند که دولت باید صبر کند تا اعتصاب‌ها به «آتارشی» برسند و تنها در آن مرحله سرکوب را آغاز کند. نشریه بیگول (شیپور) بر این نظر است که این پیش‌شرط خود برای تبدیل این جنبش به یک اعتصاب سراسری کارگری غیرقابل‌تخلّف است.

این منطق از همان منطق پوسیده سندیکالیزم قدیمی از نوع برنشتاینی سرچشمه می‌گیرد که می‌گوید «سوسیال‌دموکراسی بسیار بهتر از طریق روش‌های قانونی نسبت به روش‌های غیرقانونی و انقلاب خشونت‌آمیز رشد می‌کند»، و «وظیفه بعدی حزب این است که برای افزایش بی‌وقفه آرای خود کار کند» یا اینکه «تبلیغ تدریجی از طریق فعالیت پارلمانی را ادامه دهد».

به‌راحتی می‌توان تصور کرد که اگر بخشی از طبقه کارگر این رویکرد صلح‌طلبانه را نقض کند، آن را صرفاً به‌عنوان خرابکاری بیرونی، انجام‌شده توسط یک عامل نفوذی معرفی خواهند کرد، نه چیزی که ممکن است در فعالیت خودانگیخته طبقه کارگر رخ دهد — همان خط فکری رسانه‌های وابسته و سیاستمداران فاشیست.

افزون بر این، آنان «اعتصاب مسالمت‌آمیز» را نه صرفاً به‌عنوان یک ویژگی اعتصاب، بلکه به‌عنوان یک اصل تجویزی مطرح می‌کنند:

**«این مسئله‌ای میان کارگران و مالکان و مدیریت است. مگر اینکه عناصر نافرمان، که توسط پولیس تحریک شده‌اند، اقدام نامناسبی انجام دهند، پولیس هیچ نقشی در این منازعه کارگری ندارد. و بدون پولیس، مالکان و مدیریت در نهایت مجبور خواهند شد به خواسته‌های شما گوش دهند.»**

ما تردید داریم که نشریه «شیپور کارگر» به اندازه‌ای ساده‌لوح باشد که واقعاً به این باور داشته باشد. یا این است که آن‌ها معتقدند توده‌ها توان درک ماهیت

خواسته‌های آنان عبارت است از: افزایش حداقل دستمزد به حداقل ۲۰٬۰۰۰ روپیه و پرداخت به‌موقع آن، روز کاری ۸ ساعته با تعطیلی آخر هفته، دو برابر شدن دستمزد ساعتی اضافه‌کاری، و تأمین امکانات اساسی مانند ایمنی، امنیت شغلی و اجرای قوانین کار.

بیش از هزار کارگر توسط پلیس دولتی به دلیل اعتصاب بازداشت شده‌اند؛ صدها نفر دستگیر و علیه‌شان پرونده رسمی (FIR) تشکیل شده است. قوانین جدید کار که از اول اپریل اجرا شده‌اند، وضعیت شکننده طبقه کارگر در برابر سرمایه را شدیدتر کرده‌اند؛ اکثریت این کارگران در نویدا به‌صورت قراردادی کار می‌کنند. این قوانین به صاحبان کارخانه اجازه می‌دهد کارگران را هر زمان که بخواهند اخراج کنند و همچنین اعتراض‌ها را جرم‌انگاری کرده‌اند، مگر آن‌که با اطلاع قبلی طولانی به همان کسانی داده شود که علیه‌شان اعتراض می‌شود.

این وضعیت، همراه با افزایش شدید قیمت گاز مایع (LPG) به حدود ۳۵۰ تا ۵۰۰ روپیه به ازای هر کیلو یا بیشتر، و تصمیم دولت هاریانا برای افزایش ۳۵ درصدی حداقل دستمزد پس از اعتصاب‌های کارگری در آن ایالت، به نقطه آغاز این اعتصاب‌های گسترده تبدیل شد. فعالان معترض از اتحادیه‌ها و سازمان‌های مختلف، از جمله فعالان نشریه «شیپور کارگر» نیز در این اعتصابات بازداشت شده‌اند. ما بدین وسیله خواستار آزادی فوری همه کارگران و فعالانی هستیم که در این اعتراض‌ها بازداشت شده‌اند؛ اگر دولت هند خود را دموکراسی می‌نامد - نه فقط برای طبقات حاکم، گویی که بالاتر از جامعه طبقاتی ایستاده باشد، بلکه برای همه مردم - باید مانند یک دموکراسی واقعی عمل کند.

با رسیدن اعتصابات به اوج خود در حدود ۱۳ اپریل، صدها کارگر وارد کارخانه‌ها شدند و در کارخانه «مادرسن» (Motherson) [ نام یک شرکت بزرگ هندی در صنعت قطعات موتورهای تیز رفتار است ] در نویدا، مدیران ارشد کارخانه را در داخل ننگه داشتند و هم‌زمان شعارهایی در جهت تحقق خواسته‌هایشان سر دادند. در چندین محل دیگر، وسایل نقلیه متعلق به صاحبان کارخانه و مدیریت به آتش کشیده شد، شیشه وسایل نقلیه شکسته شد و بخش‌هایی از اموال کارخانه تخریب یا سوزانده شدند. در یک مرکز فروش و خدمات وسایل نقلیه در هند تحت نام «وی پول موتور» (Vipul Motors)، شیشه‌ها و بدنه ۲۰ تا ۲۵ وسیله نقلیه نیز شکسته شدند.

جاده‌ها بسته شدند و ترافیک کاملاً متوقف شد و درگیری با پلیس رخ داد. دولت در پاسخ، هشت واحد از نیروهای پولیس مسلح ایالتی (PAC) و نیروی واکنش سریع (RAF) را مستقر کرد و تیم‌های واکنش سریع (QRT) را در کارخانه «مادرسن» جایجا نمود. پلیس با باتوم به کارگران اعتصابی، از جمله زنان، حمله کرد، گاز اشک‌آور شلیک نمود و برای پراکنده کردن جمعیت و باز کردن جاده‌ها از موانع استفاده نمود.

فاشیست‌های حزب بهاراتیا جاناتا (BJP - حزب مردم هند تحت رهبری مودی) و سازمان داوطلبان ملی (RSS - راشتریه سوپم‌سواک سنگه) و رسانه‌های وابسته به آن‌ها شروع به ساختن روایت‌های بی‌اساس کردند که این اعتصابات از پاکستان سازمان‌دهی شده است؛ در حالی که یوگی آدیتیانان، وزیر ارشد فوق‌محافظة کار ایالت اوتار پرداش، آن را تلاشی برای «احیای ناگزیرم» خواند - و ما می‌پرسیم: چگونه چیزی که مرده نیست، می‌تواند «احیا» شود؟

این در حالی بود که در جریان همین رویداد، نشریه «شیپور کارگر» بیانیه‌ای با عنوان «برای موفقیت جنبش اعتصاب، به‌صورت مسالمت‌آمیز متحد شوید، نگذارید... دولت یوگی جنبش کارگری و فعالان آن را به دروغ به «ناگزول‌گرایی» و «تروریزم» متهم کند!» منتشر کرد. این بیانیه از همان ابتدا نشان می‌دهد که شکاف اجتماعی عمیقی میان «فعال کارگری» (گروپ بوروکرات‌های اتحادیه‌ای در حال رشد) که تلاش دارد اعتصاب‌ها را

طبقاتی دولت هند را ندارند، یا اینکه صرفاً تلاش دارند آن‌ها را فریب دهند تا بزدلی خود را توجیه کنند.

در اینجا، دولت هند به‌عنوان یک موجودیت خنثی در نظر گرفته می‌شود؛ گویی از طبقه مالک کارخانه‌ها جداست؛ گویی پلیس یک نهاد متعلق به این سلطه طبقاتی نیست. این نه یک پیشنهاد تاکتیکی برای اجتناب از سرکوب یا حفظ وحدت است؛ بلکه به‌عنوان یک اصل کلی برای «توسعه درست جنبش کارگری» ارائه می‌شود — منحیث یک تجویز استراتژیک.

در نتیجه، این رویکرد یک مرز هنجاری پیرامون اشکال مبارزه‌ای ایجاد می‌کند که «مشروع» تلقی می‌شوند، و این دقیقاً بازتاب منطق خود دولت است.

اکنون، درک لنینیستی از اشکال مبارزه کمونیست‌ها، بی‌تردید وابسته به بررسی دقیق وضعیت عینی در هر لحظه است — و آنان همیشه می‌توانند پشت این موضوع پنهان شوند و هر نوع تجدیدنظرطلبی را به‌عنوان «تاکتیک‌های متناسب با شرایط» جلوه دهند — اما در هیچ‌جا چنین بُعد استراتژیکی به قانون‌گرایی و صلح‌طلبی داده نمی‌شود.

آن‌ها در هیچ‌جا به هدف نهایی پرولتاریا اشاره نمی‌کنند. همان‌گونه که انگلس درباره چنین شیوه استدلالی گفته است:

«این فراموش کردن ملاحظات بزرگ و اساسی به خاطر منافع لحظه‌ای، این تلاش و کشمکش برای موفقیت آنی بدون توجه به پیامدهای بعدی، این فدا کردن آینده جنبش به خاطر حال آن، ممکن است «با نیت صادقانه» انجام شود، اما همچنان و در هر صورت فرصت‌طلبی است، و «فرصت‌طلبی صادقانه» شاید خطرناک‌ترین نوع آن باشد!»

در مقابل، برای کمونیست بلشویکی، اعتصاب‌ها «مدرسه جنگ» هستند؛ و هنگامی که آگاهانه هدایت شوند، به توده کارگران نشان می‌دهند که دشمن چه کسی است و کدام طبقه مسئول استثمار آن‌هاست:

کارگر قوانین را نمی‌شناسد، هیچ تماس مستقیمی با مقامات دولتی ندارد، به‌ویژه با مقام‌های عالی‌رتبه، و در نتیجه غالباً همه این‌ها را باور می‌کند.

سپس اعتصاب رخ می‌دهد. خارنوال، مفتش کارخانه، پولیس، و اغلب نیروهای نظامی در کارخانه ظاهر می‌شوند. کارگران درمی‌یابند که قانون را نقض کرده‌اند: کارفرمایان طبق قانون اجازه دارند گردهم آیند و آشکارا درباره کاهش دستمزدها بحث کنند، اما کارگران اگر به توافق جمعی برسند، مجرم شناخته می‌شوند! ...

کارگران شروع به درک این حقیقت می‌کنند که قوانین تنها در خدمت ثروتمندان ساخته شده‌اند؛ اینکه مقامات دولتی از منافع آنان محافظت می‌کنند؛ اینکه مردم کارگر ساکت نگه داشته می‌شوند و اجازه ندارند نیازهای خود را بیان کنند؛ اینکه طبقه کارگر باید حق اعتصاب، حق انتشار روزنامه‌های کارگری، و حق مشارکت در مجلس ملی را برای خود به دست آورد که قوانین را وضع کرده و اجرای آن‌ها را نظارت کند...

هر اعتصاب، در کارگران این آگاهی را تقویت و گسترش می‌دهد که دولت دشمن آن‌هاست و طبقه کارگر باید خود را برای مبارزه علیه دولت در راه حقوق مردم آماده کند.

«بنابراین اعتصاب‌ها به کارگران می‌آموزند که متحد شوند؛ آن‌ها نشان می‌دهند که کارگران تنها زمانی می‌توانند با سرمایه‌داران مبارزه کنند که متحد باشند؛ اعتصاب‌ها به کارگران می‌آموزند که مبارزه تمام طبقه کارگر را در برابر تمام طبقه صاحبان کارخانه‌ها و در برابر حکومت خودسر و پولیسی در نظر بگیرند. به همین دلیل است که سوسیالیست‌ها

اعتصاب‌ها را «مدرسه جنگ» می‌نامند؛ مدرسه‌ای که در آن کارگران می‌آموزند چگونه علیه دشمنان خود، برای رهایی تمام مردم، برای رهایی همه کسانی که کار می‌کنند، از زیر یوغ کارمندان دولتی و از زیر یوغ سرمایه‌بجنگند.» • و. ای. لنین ۱۶

با این حال، حتی یک اعتصاب گسترده که صنعت را فلج کند، به‌طور خودکار به قدرت سیاسی برای کارگران تبدیل نمی‌شود. افزون بر آن، اعتصاب‌ها به‌خودی‌خود بخشی طبیعی و تکرارشونده از سرمایه‌داری هستند. طبقه حاکم صرفاً بر ادامه تولید تکیه نمی‌کند — بلکه بر کنترل دولت و دستگاه‌های آن، ارتش، پولیس، بانک‌ها و کل نظام «نوارهای انتقالی» که میان آن و توده‌ها پل می‌زند، تکیه دارد.

اعتصاب‌ها مدرسه جنگ‌اند، نه خود جنگ. تا زمانی که قدرت دولتی در دست کارگران نباشد، بورژوازی: با استفاده از ارتش ذخیره کار، انتقال تولید به مکان‌های دیگر، واردات کالا، یا صرفاً انتظار کشیدن تا پایان اعتصاب‌ها کاملاً توانایی تحمل زیان‌ها را دارد.

مهم‌تر از همه اینکه، دولت برای آغاز سرکوب حتی به هیچ «بهانه‌ای» از سوی اعتصاب‌کنندگان نیاز ندارد. دولت بسیار کمتر از سندیکالیست‌های گاندی‌گرای ما به قوانین و قانون اساسی خود اهمیت می‌دهد؛ اگر لازم باشد می‌تواند صرفاً دروغ بگوید و بهانه بسازد، و این کار را بارها انجام داده است.

بیانیه نشریه «شیپور کارگر» حتی از موردی هم بدتر است که انگلس در نقد دورینگ به آن اشاره کرده بود:

«او فقط با آه و ناله می‌پذیرد که شاید استفاده از اعمال قهر برای سرنگونی یک نظام اقتصادی استثماری ضروری باشد — متأسفانه، زیرا هرگونه استفاده از زور، فردی را که آن را به کار می‌برد فاسد می‌کند. و این در حالی است که هر انقلاب پیروزمند، نیروی عظیم اخلاقی و معنوی به همراه داشته است!» • فردریش انگلس ۱۷

نشریه «شیپور کارگر» حتی این را هم نمی‌پذیرد که شاید در جایی، در زمانی دور، استفاده از زور ضروری باشد؛ زیرا آن را «ناگزول‌گرایی» می‌نامد.

مبارزه علیه رویزیونیسم، مبارزه علیه پرستش خودانگیختگی است

در میان اصول بنیادی رویزیونیسم، این تصور قرار دارد که مطالبات فوری و مشروع پرولتاریا به‌عنوان «طبقه در خود» را هم منشأ و هم علت وجودی انقلاب می‌داند، و اینکه انقلاب اجتماعی یک روند جبری و خودکار است که به‌طور طبیعی به سوی آن حرکت می‌کنیم.

اما دانشجویان لنین در مقابل، درک می‌کنند که آگاهی انقلابی تنها می‌تواند از بیرون به جنبش طبقه کارگر وارد شود، یعنی از خارج از شرایط فوری و روزمره آن.

ما مارکسیزم را به‌عنوان سنتز دانش انباشته‌شده و تجربه تاریخی بشریت در مبارزه طبقاتی درک می‌کنیم؛ که — با تبدیل شدن به جهان‌بینی پرولتاریای آگاه، و اعطای نقش سوزه جهانی به این آخرین طبقه تاریخ — به جهان‌بینی جهانی بدل شده است، و بنابراین طبقه کارگر را وادار می‌کند که خود را صرفاً به‌عنوان پرولتاریای اقتصادی نفی کند، و در عوض به «تریبون مردم» تبدیل شود.

اما تابع کردن این آگاهی «طبقه برای خود» پرولتاریا به مطالبات خودانگیخته، فوری و روزمره طبقه کارگر، به‌عنوان صرفاً یک طبقه اقتصادی، و به جنبش سندیکایی قانون‌گرا که بر آن تکیه دارد، تنها می‌تواند به کمونیست‌ها آسیب برساند:

سوسیال دموکراسی (اصطلاح «سوسیال دموکراسی» تا آن زمان هنوز خصلت انقلابی خود را از دست نداده بود و مترادف با کمونیسم به کار می‌رفت — ویراستار) مبارزه طبقه کارگر را رهبری می‌کند، نه فقط برای شرایط بهتر فروش نیروی کار، بلکه برای الغای نظام اجتماعی‌ای که افراد فاقد مالکیت را وادار می‌کند خود را به ثروتمندان بفروشند.

سوسیال دموکراسی طبقه کارگر را نه صرفاً در رابطه‌اش با یک گروه مشخص از کارفرمایان، بلکه در رابطه‌اش با همه طبقات جامعه مدرن و با دولت به عنوان یک نیروی سیاسی سازمان‌یافته نمایندگی می‌کند.

بنابراین نتیجه می‌شود که سوسیال دموکرات‌ها نه تنها نباید خود را صرفاً به مبارزه اقتصادی محدود کنند، بلکه نباید اجازه دهند که سازمان‌دهی افشاگری‌های اقتصادی به بخش غالب فعالیت‌هایشان تبدیل شود. • و. ای. لنین<sup>۸</sup>

تکمیل طبیعی پرستش خودانگیختگی در تجدیدنظرطلبی، و تجلی آن در عرصه مبارزه به صورت سندیکالیسم و اقتصادگرایی اتحادیه‌ای، عبارت است از نادیده گرفتن هدف نهایی جنبش کمونیستی، و توجیه رفتار خود بر مبنای موردی و پراگماتیستی، به بهای قربانی کردن منافع اساسی پرولتاریا برای پیروزی‌های فوری و منافع فرضی.

در مبارزه علیه «تریوی زوریخ» صلح طلب درون حزب سوسیال دموکرات آلمان (SPD)، مارکس و انگلس به روشنی ماهیت طبقاتی چنین ایده‌هایی را نشان دادند:

« برای آنکه آخرین ذره از نگرانی را از دوش بورژوازی بردارند، باید به‌طور روشن و قانع‌کننده نشان داده شود که «شبح سرخ» واقعاً فقط یک شبح است و وجود ندارد. اما راز این شبح سرخ چیست، اگر نه ترس بورژوازی از مبارزه اجتناب‌ناپذیر مرگ و زندگی میان خود و پرولتاریا، ترس از نتیجه ناگزیر مبارزه طبقاتی مدرن؟

کافی است مبارزه طبقاتی لغو شود، آن‌گاه بورژوازی و «تمام افراد مستقل» بدون تردید با پرولتاریا دست دوستی خواهند داد! در این صورت، کسانی که فریب می‌خورند همان پرولتاریا خواهد بود.

بنابراین حزب باید با رفتار فروتنانه و مطیع خود نشان دهد که برای همیشه از «ناهنجاری‌ها و افراط‌گری‌ها» که باعث پیدایش قانون ضدسوسیالیستی شد، دست کشیده است. اگر داوطلبانه خود را در چارچوب قانون ضدسوسیالیستی نگه دارد، بسمارک و بورژوازی بدون تردید لطف کرده و آن قانون زائد را لغو خواهند کرد!

... در این صورت، بورژواها، خرده‌بورژواها و کارگرانی که «از مطالبات بلندپروازانه ترسانده شده‌اند» نیز دسته‌جمعی به ما خواهند پیوست. • کارل مارکس و فردریش انگلس<sup>۹</sup>

وقتی رویزیونیسم «شبح کمونیسم» را برای جلب حسن‌نیت بورژوازی قربانی می‌کند، بورژوازی نیز در مقابل، با به‌رسمیت شناختن صوری حق طبقه کارگر برای مبارزه طبقاتی در چارچوبی قانونی، به آن پاداش می‌دهد؛ چارچوبی که به اندازه‌ای تنگ و محدود است که آن را بی‌ضرر و خنثی می‌سازد.

در عصر امپریالیسم، در عصر شکاف در جنبش طبقه کارگر، بخشی از طبقه کارگر که توسط اشرافیت کارگری نمایندگی می‌شود — بخشی که پیش‌تر توسط بورژوازی خریداری و تطمیع شده است — و همچنین عقبه طبقه کارگر که به جای گسست از نظام موجود تولید، در پی کسب موقعیت بهتر در همان نظام است، سریع‌ترین گروه‌هایی هستند که وارد چنین معامله‌ای می‌شوند.

و به همین دلیل است که رشد پرولتاریا به‌عنوان یک طبقه سیاسی، در شرایط کنونی تنها به‌عنوان یک طبقه انقلابی ممکن است؛ یعنی خارج از چارچوب قانونی و خارج از جنبش‌های اقتصادی و اصلاح‌طلبانه آن، که بازتاب سیاسی وضعیت محدود آن به‌عنوان یک طبقه صرفاً اقتصادی هستند.

بنابراین، برای انقلابیون، برخورد با مبارزه طبقاتی خودانگیخته و سندیکالیسم معمول، به‌عنوان نقطه آغاز و محور مرکزی رشد سیاسی طبقه کارگر، بیش از هر چیز بیانگر تمایلی پنهان برای به تعویق انداختن رویارویی پرولتاریا با سرمایه در قالب جنگ انقلابی است — جنگی که هم‌اکنون در هند در جریان است.

برای ساختن از دل صفوف پرولتاریا آن نیروی اجتماعی عظیمی که قادر باشد این روند انقلابی را رهبری کند و هم‌زمان جهان کهنه را در مسیر خود دگرگون سازد، کمونیست‌ها — با درک آموزه انقلابی مارکسیزم-لنینیسم-مائوئیسم — ناگزیرند با دهه‌ها پوسیدگی‌ای که در فهم عمومی از این آموزه رخنه کرده است مقابله کنند؛ پوسیدگی‌ای که تجلی جدید آن، خطوط فرصت طلبی، انحلال طلبی و رویزیونیسم (OLR) است.

در برابر خائنان طبقاتی، در برابر اصلاح‌طلبی و فرصت‌طلبی، پرولتاریا نمی‌تواند پیشروی کند مگر با مبارزه علیه آن‌ها و در همه عرصه‌ها بدون درنگ و بدون استثناء.

رفیق مائو تسه‌دون گفته است:

«پرولتاریا می‌کوشد جهان را بر اساس جهان‌بینی خود دگرگون کند، و بورژوازی نیز چنین می‌کند. از این نظر، مسئله اینکه کدام پیروز خواهد شد، سوسیالیسم یا سرمایه‌داری، هنوز حل نشده است. مارکسیست‌ها در میان کل جمعیت و نیز در میان روشنفکران در اقلیت هستند. بنابراین مارکسیزم باید از طریق مبارزه به رشد خود ادامه دهد. مارکسیزم فقط از طریق مبارزه می‌تواند رشد کند، و این نه فقط در گذشته و حال، بلکه در آینده نیز صادق است.» و چنین نیز هست.

وظیفه‌ای که در برابر ما باقی می‌ماند این است که درک خود از مارکسیزم را توسعه دهیم، و همچنین بفهمیم که چگونه خود آموزه ما باید دگرگون و انقلابی شود، تا بتوان شکست‌ها و عقب‌نشینی‌های پیشروی کمونیسم — نه فقط در انقلاب هند، بلکه در کل جنبش بین‌المللی کمونیستی را پشت سر گذاشت، برای آینده‌ای که باید فتح شود.

برای خوانندگان خود، یک «اول ماه می» پر بار و اندیشمندانه آرزو می‌کنیم.

نویسنده: کی‌ران،

عضو هیئت تحریریه مجله مائوئیستی «نظریه»

منابع:

۱. نقل قول کامل چنین است:

«در نهایت، آقای ورگهیز امیدوارانه چنین می‌پندارد: «مائوئیست‌ها محو خواهند شد، هند دموکراتیک و قانون اساسی پیروز خواهد شد، هرچند این امر زمان ببرد و با درد همراه باشد.» اگر مائوئیست‌ها به‌واسطه برتری مدل توسعه‌ی شما محو می‌شوند، پس چرا طرفداران توسعه‌ی شما مشتاقانه در

پی سرکوب وحشیانه مائوئیست‌ها و ادیواسی‌هایی هستند که آن‌ها رهبری می‌کنند؟ در کدام بخش از هند قانون اساسی حاکم است، آقای ورگهیز؟ در دانتوادا، بیجاپور، کانکر، ناراینپور، راجانندگائون؟ در جارخند، اورپسا؟ در لالگر، جنگل‌محل؟ در دره کشمیر؟ مانپور؟ این قانون اساسی کجا پنهان شده بود در طول ۲۵ سالی که هزاران سیک قتل‌عام شدند؟ زمانی که هزاران مسلمان نابود شدند؟ زمانی که صدها هزار دهقان مجبور به خودکشی شدند؟ زمانی که هزاران نفر توسط باندهای دولتی سالوا جوودوم کشته شدند؟ زمانی که زنان ادیواسی مورد تجاوز گروهی قرار گرفتند؟ زمانی که مردم صرفاً توسط نیروهای یونیفورم‌پوش ربوده شدند؟ قانون اساسی شما یک تکه کاغذ است که برای اکثریت مردم هند حتی ارزش کاغذ توال را هم ندارد. — چروکوری راجکومار (آزاد)، یادداشت پایانی به یک نئوکولونیالیست. منتشرشده پس از مرگ در نشریه ۲۰۱۰ - «دورنما».

۲. ما نظریه مارکس را چیزی کامل و غیرقابل تغییر و تخطی‌ناپذیر نمی‌دانیم؛ برعکس، ما کاملاً معتقدیم که این نظریه تنها سنگ بنای علمی را گذاشته است که سوسیالیست‌ها باید در همه جهات آن را توسعه دهند، اگر بخواهند با زندگی همگام بمانند. — ولادیمیر ایلیچ لنین، برنامه ما، روزنامه کارگری ۱۸۹۹ (روبوچایا گازیته - ۱۸۹۹ Rabochaya Gazeta)

۳. این مصاحبه مربوط به رئیس اداره اطلاعات ویژه (SIB)، افسر پولیس IPS، ب. سومائی است که در آن توضیح می‌دهد چگونه سازمان اطلاعاتی او زمینه تسلیم شدن «دووجی» را ممکن ساخت. — پرسانا دی. زوره، «زنی که یک مائوئیست خطرناک را وادار به تسلیم کرد»

۴. ولادیمیر ایلیچ لنین، موضع و وظایف انترناسیونال سوسیالیستی (۱۹۱۴)

۵. ولادیمیر ایلیچ لنین، کنگره سوم سراسری شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان (۱۹۱۸)

۶. ولادیمیر ایلیچ لنین، وظایف اتحادیه‌های جوانان (۱۹۲۰)

۷. ولادیمیر ایلیچ لنین، امپریالیسم و شکاف در سوسیالیسم (۱۹۱۶)

۸. تی. کی. راجالاکشمی، «آنچه اعتصابات کارگری نویدا درباره شکست وعده‌های قوانین کار آشکار می‌سازد»، مجله «خط مقدم».

۹. اعتراض کارگران نویدا: وکلا و فعالان از «شکار جادوگرانه» پولیس اوتار پرادش، بازداشت‌های غیرقانونی و روایت‌های جعلی خبر می‌دهند» شبکه رسانه ای «تلگراف - The Wire»

۱۰. «نکات برجسته اعتراض نویدا» مجله خبری هند امروزی - India Today

۱۱. «آیا اعتراض کارگران نویدا ربوده شد؟» روزنامه اخبار هندی - The Times of India

12. بیانیه «شیپور کارگر» مورخ ۱۳ اپریل

13. همان منبع (همانجا)

14. ادوارد برنشتاین، سوسیالیسم تکاملی (۱۸۹۹)

15. فریدریش انگلس، نقد پیش‌نویس برنامه ارفورت (۱۸۹۱)

16. ولادیمیر ایلیچ لنین، درباره اعتصابات، روزنامه کارگری ۱۸۹۹ (روبوچایا گازیته - ۱۸۹۹ Rabochaya Gazeta)

۱۷. فریدریش انگلس، آنتی‌دورینگ، بخش دوم: اقتصاد سیاسی، فصل چهارم: نظریه زور (۱۸۷۷)

18. همچنین: «رشد خودبه‌خودی جنبش طبقه کارگر به تابع شدن آن در برابر ایدئولوژی بورژوازی منجر می‌شود.» — ولادیمیر ایلیچ لنین، فصل سوم: سیاست اتحادیه‌ای و سیاست سوسیال‌دموکراتیک، چه باید کرد؟ (۱۹۰۱)

19. کارل مارکس و فریدریش انگلس، نامه دایره‌ای به آگوست بیل، ویلهلم لیکنشت، ویلهلم براهه و دیگران (۱۸۷۹)

۲۰. «با سوسیال‌خائنین، با اصلاح‌طلبی و اپورتونیزم باید مبارزه کرد — این خط سیاسی را باید بدون استثنا در همه عرصه‌های مبارزه خود دنبال کنیم. و آنگاه ما توده‌های کارگر را به‌دست خواهیم آورد. و پیشاهنگ پرولتاریا، حزب سیاسی متمرکز مارکسیستی، همراه با توده‌های کارگر، مردم را در مسیر واقعی پیروزی دیکتاتوری پرولتاریا، به‌جای دموکراسی بورژوازی، به جمهوری شوراها و به نظام سوسیالیستی رهبری خواهد کرد.» — ولادیمیر ایلیچ لنین، «درود به کمونیست‌های ایتالیایی، فرانسوی و آلمانی» (۱۹۱۹)

21. مائو تسه‌دونگ، درباره برخورد درست با تضادهای درون مردم (۱۹۵۷)

متن رسیده از رفقای هند به تاریخ ۸ می ۲۰۲۶ م.:

ترجمه: کمیته روابط بین المللی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

## انقلاب هند همچنان ادامه دارد

یک ماه پس از آن که دولت کهنه هند، تاریخ ۳۱ مارچ را به عنوان «پایان مائوئیسم» در کشور اعلام کرد، شعارنویسی های انقلابی در پایتخت، دهلی، ثبت و مشاهده شد. دولت برای تحقق این ضرب الاجل خودساخته، طی دو سال گذشته تاکتیک های نظامی گسترده ای را علیه مردم هند به کار گرفت. هزاران تن از مردم آدیواسی/بومی یا کشته، زخمی و یا از سرزمین های سنتی شان آواره شده اند و دولت همراه با سرمایه داران بوروکراتیک از این وضعیت به عنوان ابزاری برای غصب زمین ها استفاده کرده اند. در شهرها نیز سرکوب علیه کارگران و فعالان سیاسی به شدت افزایش یافته و حتی ابتدایی ترین مخالفت با دولت فاشیستی هند و بهانه ای برای زندانی کردن و شکنجه محسوب می شود.

اوایل ماه مارچ، ۱۲ فعال سیاسی توسط «آژانس ملی تحقیقات هند» (NIA) با همکاری پولیس دهلی ربوده و شکنجه شدند. بسیاری از این فعالان عضوی از فراخوان بین المللی برای اعلام روز ۲۸ مارچ به عنوان روز جهانی اقدام علیه «عملیات کاکار» و غارت امپریالیستی بودند. با وجود سرکوبی که این رفقا با آن مواجه شدند، انقلابیون سراسر جهان بسیج شدند تا همبستگی خود را با مردم و فعالانی که پیوسته هدف حملات دولت کهنه هند قرار دارند، نشان دهند.



این فعالان پس از آزادی، بیانیه ای منتشر کردند که در آن بر عزم خویش برای ادامه مبارزه تأکید نمودند که در بخشی از متن بیانیه شان چنین آمده است:

«در شرایط بحران عمیق ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی و عقب گرد جنبش انقلاب دموکراتیک نوین، مجله مائوئیستی «نظریه» (Nazariya) به عنوان وسیله ای مهم برای تعمیق شفافیت ایدئولوژیک و تجدید تعهد ما به مبارزه در مسیر انقلاب دموکراتیک نوین تا پیروزی نهایی عمل می کند. دولت هند هر بار که تلاش می کند جنبش و سازمان ما را سرکوب کند، تنها بر استواری ماور ما می افزاید. از همین رو، همان گونه که در بیانیه اکتبر ۲۰۲۵ گفتیم، ما تحت هر شرایطی به نشر مجله خود ادامه خواهیم داد و هرگز در برابر سرکوب دولتی سر خم نخواهیم کرد.»

با در نظر گرفتن این موضوع، تصاویر زیر تأییدی است بر این حقیقت که سرکوب، تنها مقاومت بیشتری را می پروراند تا زمانی که مردم تحت ستم و استثمار به پیروزی نهایی دست یابند. با وجود تمام ادعاهای دولت کهنه هند مبنی بر پایان دادن به انقلاب هند، روشن است که انقلابیون، فعالان و مردم زحمتکش هند هرچه بیشتر راه انقلاب دموکراتیک نوین را در پیش خواهند گرفت.

به گفته نویسنده ناشناس این مطلب:

«خون جنگاوران جان باخته خلق، جنگ خلق را  
بارور خواهد ساخت!»

۸ ماه می ۲۰۲۶ م.



## اخبار هند

### رژیم مودی «پیروزی بر مائوئیسم» را اعلام کرد ... اما حملات تازه مائوئیست‌ها این خبر را رد می‌کند

یک ماه پس از آن که رژیم مودی «پیروزی بر مائوئیسم» را اعلام کرد، در ایالت «جارجند» درگیری مسلحانه رخ داد و چهار نیروی شبه‌نظامی دولت هند (نیروهای ضد چریکی دولتی) در منطقه «چاتیسگر» کشته شدند.



دوروز بعد، در ایالت دیگری یعنی چاتیسگر، چهار نیروی شبه‌نظامی دولت هند، در جریان عملیات جستجوی دیگری بر اثر انفجار یک بمب کنار جاده‌ای (IED) که توسط رفقا کارگذاری شده بود، کشته شدند.

با وجود ادعای رژیم هندوتوایی مودی مبنی بر پیروزی کامل بر حزب کمونیست هند (مائوئیست)، این حزب همچنان نقش رهبری‌کننده خود را در مسیرهای انقلابی هند تأیید می‌کند و جنگ خلق همچنان فعال است و به دشمن ضربه می‌زند.

(به اسناد اخیر کمیته شمالی حزب که اخیراً در این سایت منتشر می‌گردد، مراجعه کنید).

زنده باد حزب کمونیست هند (مائوئیست)!

زنده باد جنگ خلق در هند!

کمیته بین‌المللی حمایت از جنگ خلق هند

۳ می ۲۰۲۶ م.

وبسایت

<https://icspwindia.site/>

طبق گزارش‌های مطبوعات بورژوازی هند، «میزیر بسرا» این رهبر مائوئیست (عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست هند (مائوئیست)) و گروه عملیاتی «ارتش چریکی آزادی‌بخش خلق» در ایالت «جارجند» همچنان فعال هستند؛ این در حالی است که رژیم هندوتوایی حاکم اعلام کرده بود که الی ۳۱ مارچ ۲۰۲۶ «مائوئیسم» در هند ریشه‌کن شده است.

در ۲۹ اپریل، نیروهای ویژه «کوبرا» (COBRA) برای عملیات جستجو در منطقه تونتو در ناحیه «وست سینگه‌بوم» (ایالت جارجند) اعزام شدند. به گزارش روزنامه بورژوازی "گذرگاه خبری (Avenue Mail)"، نیروهای شبه‌نظامی دولت هند برای چندین ساعت زیر آتش قرار گرفتند که در قسمتی از گزارش شان چنین درج گردیده است:

«این درگیری در حالی رخ داد که گزارش‌هایی از افزایش حضور مائوئیست‌ها در منطقه گل‌هان پس از کشته شدن اخیر یک مائوئیست سابق در منطقه گویلکرا منتشر شده بود. سازمان‌های اطلاعاتی هشدار داده بودند که گروه تحت رهبری «میزیر بسرا» فعالیت‌های خود را در جنگل‌های سارندا از سر گرفته است.»

## راه نئوپاراجانداییِ دووجی و همفکرانش را افشا کنید!

پرچم سرخ مارکسیزم-لنینیسم-مائوئیسم را برافراشته نگه دارید!



تمام عناصر فرصت طلب، انحلال طلب و رویزیونیست را به خاک بسپارید!



چهرهٔ خانانۀ «دووجی» عضو کمیته مرکزی و دفتر سیاسی حزب کمونیست هند (مائوئیست)

مبارزات توده‌ای را تثبیت کرده و بدین‌سان پایه‌های قدرت سیاسی بدیل مردمی را بنا نهد...»

برای تحقق این هدف، حزب ما از همان ابتدا مسلح و مخفی باقی خواهد ماند. حزب ما قاطعانه بر این درک سیاسی پایبند است و مصمم به تحقق انقلاب دموکراتیک نوین است. ما به تعهداتی که در سال ۲۰۰۷ در برابر نیروهای پرولتاریای جهان داده‌ایم پایبند هستیم. ممکن است امروز بسیار ضعیف باشیم، اما این ضعف، ضعف استراتژیک نیست؛ از نظر استراتژیک ما بر خط سیاسی صحیح قرار داریم، و بنابراین قوانین علمی توضیح می‌دهد که ما برای نابودی «سه کوه بزرگ» (امپریالیسم، سرمایه‌داری بوروکراتیک کمپرادور و فئودالیسم) که مردم این کشور و جهان را زیر فشار قرار داده‌اند، برخواییم خاست.

در ادامه کارزاری که کمیته ما علیه عناصر فرصت طلب، انحلال طلب و رویزیونیست در درون جنبش انقلابی آغاز کرده است، دیدگاه خود را درباره جنجال پیرامون تسلیم شدن دووجی ارائه می‌کنیم. دووجی عضو کمیته مرکزی و دفتر سیاسی حزب ما بود، اما اکنون که در برابر نیروهای دشمن تسلیم شده، هیچ ارتباطی با حزب ندارد و اغراق نیست اگر او را خائن به انقلاب هند و پرولتاریای جهانی بنامیم.

تاریخ به ما می‌آموزد که دو خط سیاسی موازی وجود دارد که برای کسب قدرت سیاسی با یکدیگر در رقابت‌اند. یک خط توسط انقلابیون کمونیست مانند رفیق کارل مارکس، رفیق ولادیمیر لنین، رفیق ژوزف استالین، رفیق مائو تسه‌تونگ، رفیق چارومازومدار، رفیق کانهای چاترجی، رفیق باساواراج، رفیق راجو، رفیق کوسا، رفیق هیدما و غیره پایه‌گذاری شده است؛ در حالی که خط دیگر توسط خائنانی چون برنشتاین، کائوتسکی، لین بیائو، پراچاندا، دووجی، ونوگوپال، کوباد، بالراج، پراشانت راهی و دیگران ترسیم می‌شود. حاملان خط دوم، عوامل دشمن و فرصت طلب هستند که به خط سیاسی پرولتاریا حمله می‌کنند تا آن را تضعیف کرده و در نهایت نابود سازند.

همچنین باید درک کنیم که خط سیاسی صحیح تنها در جریان مبارزه علیه این عناصر فرصت طلب و رویزیونیست شکل می‌گیرد. ما به پیشگامی در این مبارزه افتخار می‌کنیم و در کنار رفقا مارکس، لنین و مائو قرار داریم. «دوست واقعی در زمان نیاز شناخته می‌شود». برای عناصر انقلابی در سراسر جهان روشن شده است که خائنان انقلاب هند مانند دووجی، ونوگوپال معروف به سونو، کوباد، بالراج و دیگران، دوستان مردم نیستند، بلکه عوامل دشمنی هستند که در لباس انقلابی ظاهر شده‌اند.

در میان تمام موانعی که طبقه حاکم، عوامل آن و عناصر فرصت طلب، انحلال طلب و رویزیونیست ایجاد کرده‌اند، حزب ما در مسیر اجرای خط سیاسی کنگره نهم (کنگره وحدت) به پیش می‌رود. سند «استراتژی و تاکتیک‌های انقلاب هند» حزب ما بیان می‌کند:

«در کشوری مانند کشور ما، انقلاب از همان ابتدا عمدتاً از طریق مبارزه مسلحانه پیش خواهد رفت. در طول انقلاب دموکراتیک نوین، مبارزه مسلحانه یا جنگ شکل عمده مبارزه و ارتش شکل عمده سازمان خواهد بود. نه کار سازماندهی مردم و نه ایجاد مبارزات توده‌ای بدون پشتیبانی نیروهای مسلح خلق به‌طور موفق پیش نمی‌رود. حزب تنها از طریق گسترش و توسعه جنگ چریکی می‌تواند دستاوردهای

دارد، اما این ناآگاهان نمی‌دانند که بدون مبارزه علیه عناصر تفرقه‌افکن، ساختن حزب ممکن نیست. بنابراین تأکید می‌کنیم که شکافی در کار نیست؛ بلکه ما در حال مبارزه با انحلال‌طلبی در درون حزب هستیم.

کمیته ما مقالات و بیانیه‌های متعددی درباره فرصت‌طلبی، انحلال‌طلبی و رویزیونیسم منتشر کرده است. مردم جهان سونو را افشا کردند، و طبقه حاکم برای ایجاد سردرگمی، چهره دووجی را مطرح ساخت.

رفقا!

فریب نخورید و مسیر را گم نکنید. این نخستین بار نیست که جنبش کمونیستی انقلابی در هند با چنین عقب‌نشینی‌ای روبه‌رو می‌شود. در دهه ۱۹۷۰ نیز پس از جان باختن رفیق چارومازومدار، حزب دچار فروپاشی شد و گروه‌های فرصت‌طلب متعددی پدید آمدند. هیچ مرکز انقلابی باقی نمانده بود، اما ما توانستیم دوباره برخیزیم و پایگاه‌های چریکی بسازیم.

امروز نیز کمیته‌های رهبری وجود دارند و کمیته مرکزی همچنان جنگ خلق را هدایت می‌کند. پیروزی از آن ماست؛ همان‌طور که حتی خشن‌ترین نیروهای تزاری نتوانستند مانع برافراشته شدن درفش سرخ در نیمی از جهان شوند. ما وارث همان سنت هستیم. ما عناصر فرصت‌طلب، انحلال‌طلب و رویزیونیست را شکست خواهیم داد و به سوی انقلاب دموکراتیک نوین، سپس سوسیالیسم و در نهایت کمونیسم پیش خواهیم رفت.

## حزب کمونیست هند (مائوئیست)

### کمیته هماهنگی شمال

۱۷ - اپریل ۲۰۲۶ م.

<https://icspwindia.site/2026/04/27/cpi-maoist-north-coordination-committee-press-release/>

او در مصاحبه‌ای با یک روزنامه انگلیسی گفته است که همچنان به مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم پایبند است و از طریق روش‌های قانونی برای تحقق اهداف سیاسی حزب تلاش خواهد کرد. نکته جالب دیگر این است که او سونو را نیز خائن نامیده است. او گفته است که برای علنی و قانونی کردن حزب تلاش خواهد کرد و از دولت می‌خواهد ممنوعیت حزب را لغو کند.

هر کسی که با اصول ابتدایی مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم آشنا باشد، می‌داند که حزب کمونیست نمی‌تواند علنی و قانونی باشد. رفیق لنین در پاسخ به سیاست تسلیم‌طلبانه‌ای که دووجی اتخاذ کرده می‌گوید:

« بیرون آمدن در مطبوعات قانونی علیه فعالیت مخفی یا به نفع حزب علنی، در واقع تضعیف حزب ماست و ما باید چنین افرادی را دشمنان سرسخت حزب بدانیم.»

بنابراین دووجی دشمن سرسخت حزب ما و خائنی در سطحی بالا است. لنین انحلال‌طلبی را چنین تعریف می‌کند:

« انصراف از فعالیت مخفی و جایگزین کردن آن با یک تشکل بی‌شکل در چارچوب قانونی به هر قیمتی.»

حزب کار قانونی را محکوم نمی‌کند، بلکه جایگزین کردن حزب انقلابی با چیزی بی‌شکل و علنی را محکوم می‌کند. ما دووجی را نسخه دیگری از سونو می‌دانیم، اما با پوشش انقلابی. چنین نئو-پارچاندایی آینده‌ای ندارد؛ همان‌طور که جوانان در نپال آن را رد کردند.

در مورد رؤیای دووجی برای تبدیل حزب به یک حزب علنی و قانونی، دوباره به لنین استناد می‌کنیم. مارکس می‌گوید ترس ویژگی بارز فرصت‌طلبی است. رفقا راجو دا، کوسا دا و هیدما چنین شرایطی را تجربه کردند، اما جان خود را در راه خط سیاسی حزب فدا کردند.

برای آن‌ها خط سیاسی از جانشان عزیزتر بود، اما برای فردی مانند دووجی چنین نبود و او انحلال‌طلبی را برگزید.

لنین درباره انحلال‌طلبی می‌گوید:

« انحلال‌طلبی شکل افراطی فرصت‌طلبی است که به انکار حزب می‌انجامد.»

برخی رسانه‌ها ادعا می‌کنند که در حزب شکاف داخلی وجود

## در روز جهانی مخالفت با « عملیات کاگار »

### در حمایت از جنگ خلق در هند و حزب کمونیست هند (مائوئیست)

**" کمیته بین المللی حمایت از جنگ خلق هند - واحد حزب مائوئیست کمونیست ایتالیا "**

ترجمه: کمیته روابط بین المللی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

در ۲۸ مارچ، بسیج‌های گسترده و بزرگی علیه «عملیات کاگار»، علیه مودی و در حمایت از جنگ خلق در هند و حزب کمونیست هند (مائوئیست) در سراسر جهان برگزار شد؛ از اروپا تا آمریکای لاتین، ایالات متحده، آسیا و دیگر مناطق.

جنبش بین‌المللی پرولتاریا به فراخوان «کمپاین اضطراری» پاسخ داد و سازمان‌ها، نیروهای مترقی، دموکرات‌ها، ضد امپریالیست‌ها و دانشجویان را گرد هم آورد تا خواستار پایان عملیات کاگار و نسل‌کشی، پایان اخراج مردم آدیواسی از سرزمین‌هایشان و توقف کشتار رهبران مائوئیست و فعالان جنگ خلق شوند.

تظاهرات، گردهمایی‌ها، محاصره قنصلگری‌های هند، بسیج در دانشگاه‌ها، نشست‌ها در میدان‌ها و بسیاری فعالیت‌های دیگر در نقاط مختلف جهان برگزار شد. تصویر ارائه‌شده هنوز کامل نیست، زیرا همچنان اخبار از کشورهای دیگر در حال دریافت است.

در بنگلادیش راهپیمایی‌ها و تجمعات خیابانی برگزار شد؛ در فیلیپین، مکزیک، ترکیه، فنلند، هالند، اتریش، دنمارک (با راهپیمایی)، ایرلند، ناروی (در شهرهای اسلو و برگن)، ایالات متحده (به‌ویژه در نیویورک، شیکاگو و سان‌فرانسیسکو با راهپیمایی بزرگ)، برازیل (ریو دو ژانیرو، سائوپائولو، میناس گرایس)، کلمبیا، آلمان (در چندین شهر)، اسپانیا، انگلستان (لندن و منچستر)، بوسنیا، بالکان، نیوزیلند و حتی چین.

وب‌سایت‌ها و بلاگ‌های بین‌المللی این اقدامات را پوشش داده‌اند و اطلاعات، گزارش‌ها، عکس‌ها و ویدیوها منتشر شده است.

در سوئیس، در شهر زوریخ، یک رویداد بسیار مهم برگزار شد؛ زیرا این یک تظاهرات بین‌المللی با حضور احزاب، سازمان‌ها، کمیته‌ها و سازمان‌های جوانان از کشورهای مختلف بود.

در همه این بسیج‌ها، حضور جوانان بسیار چشمگیر بود. در بسیاری از برنامه‌ها، تصاویر مودی به آتش کشیده شد و شعارها و سخنرانی‌ها از اروپا تا آمریکا و آسیا با یک خط سرخ مشترک به هم پیوند خوردند.

مودی و وزیر داخله‌اش اعلام کرده بودند که تا پایان مارچ، نسل‌کشی، اخراج مردم آدیواسی و نابودی جنگ مردمی و حزب کمونیست هند (مائوئیست) را تکمیل خواهند کرد.

اما روز بزرگ مبارزه در ۲۸ مارچ نشان داد که حزب کمونیست هند (مائوئیست) و جنگ خلق بیش از هر زمان دیگری در قلب پرولتاریا و مردم جهان جای دارند. این حرکت در ادامه بسیج‌های بزرگ جهانی در حمایت از غزه شکل گرفت.

فراخوان کمیته بین‌المللی حمایت از جنگ خلق در هند (ICSPWI) برای بسیج ۲۸ مارچ، با فراخوان «فوروم علیه نظامی‌سازی و شرکتی‌سازی (FACAM)» در هند همراه شد که توسط بسیاری از سازمان‌ها و نیروها در سراسر جهان حمایت گردید.

FACAM اعلام کرد:

« درودهای گرم پرولتری و انقلابی به همه سازمان‌هایی که مسئولیت تاریخی خود را در برابر تهاجم امپریالیستی علیه مردم تحت ستم هند پذیرفته‌اند... ما از همه نیروهای انقلابی، مترقی و دموکراتیک می‌خواهیم به این فراخوان بین‌المللی پاسخ دهند.»

در زوریخ، یک تظاهرات بین‌المللی مهم به‌عنوان نقطه مرجع برگزار شد. نمایندگان احزاب و سازمان‌های مختلف حضور داشتند.

هزاران نفر در شهر راهپیمایی کردند و مرکز شهر را در اختیار گرفتند. این تظاهرات با ممنوعیت پولیس مواجه بود، اما برگزارکنندگان آن را به چالش کشیدند. باوجود ممنوعیت، ده‌ها بنر و پلاکارد علیه عملیات کاگار و در حمایت از جنگ خلق و حزب کمونیست هند (مائوئیست) حمل شد.

این راهپیمایی یک حرکت متحد بود، همان‌گونه که میان سیاست‌های مودی و اسرائیل پیوندی وجود دارد، میان مردم هند و فلسطین نیز پیوندی از همبستگی شکل گرفته است.

تظاهرات پس از رسیدن به محل پایانی نیز ادامه یافت و

با شعارها و سخنرانی‌ها در فضایی پرشور پایان یافت، با تأکید بر ادامه کمپاین.

وضعیت در هند بسیار دشوار و دردناک توصیف شده است: کشتار مردم آدیواسی، تعقیب اعضای حزب، و فشار شدید بر نیروهای مائوئیست. اما با وجود این، حزب مقاومت می‌کند و اعلام کرده که تسلیم نخواهد شد.

این عملیات از سال ۲۰۲۴ توسط دولت هند آغاز شده و هدف آن نابودی کامل جنبش انقلابی تا سال ۲۰۲۶ است. مناطق وسیعی نظامی شده، روستاها تخریب و مردم آواره یا کشته شده‌اند. هدف، تخلیه زمین‌ها برای استفاده شرکت‌های چندملیتی، به‌ویژه شرکت‌های معدنی، عنوان شده است.

با وجود سرکوب، جنبش مائوئیستی همچنان فعال است و خود را بازسازی می‌کند.

در متن تأکید شده که جنگ خلق راهی برای مقابله با ستم ملی، نظام طبقاتی و نفوذ امپریالیسم است و مبارزه مردم هند اهمیت بین‌المللی دارد.

همبستگی با این مبارزه به‌معنای همبستگی با همه ملت‌های تحت ستم و مبارزه علیه امپریالیسم است.

در پایان تأکید می‌شود که:

باید از جنگ خلق در هند و حزب کمونیست هند (مائوئیست) حمایت کرد، زیرا آینده تنها به هند محدود نمی‌شود، بلکه بر مسیر مبارزه جهانی تأثیر دارد.

ما خواهان جامعه‌ای بدون فقر، بدون ستم بر زنان و بدون نظام طبقاتی هستیم.

این متن تأکید می‌کند که مبارزه ادامه دارد و همبستگی ضروری است.

**زنده باد همبستگی بین‌المللی!**

**عملیات کاکار توقف گردد!**

**زنده باد جنگ خلق در هند!**

**زنده باد حزب کمونیست هند (مائوئیست)!**

این گزارش توسط ICSPWI - ایتالیا تهیه شده است.



## ۲۸ مارچ

### یک روز بزرگ بین‌المللی اقدام علیه «عملیات کاگار» و در همبستگی با جنگ خلق در هند (اعلامیه کمیته بین‌المللی حمایت از جنگ خلق در هند)

ترجمه: کمیته روابط بین‌المللی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

مودی، در یک نشست بین‌المللی که در پایان سپتامبر در ایتالیا برگزار شد، مطرح گردید. در این نشست احزاب کمونیست مارکسیست-لنینیست-مائوئیست از ترکیه، فیلیپین، ایتالیا و همچنین نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست متعهد به حمایت از جنگ خلق و حزب کمونیست هند (مائوئیست) حضور داشتند.

در این نشست سه تصمیم گرفته شد:

۱. راه‌اندازی «کمپاین اضطراری بین‌المللی» علیه عملیات کاگار، در تمامی اشکال ممکن در هر جای جهان که نیروهای همبسته فعال هستند. این کمپاین باید در میان توده‌های مبارز، در صفوف پرولتاریا و سازمان‌های آن، در جنبش همبستگی با فلسطین، در جنبش‌های ضد جنگ امپریالیستی و در حمایت از زندانیان سیاسی در سراسر جهان ریشه داشته باشد. همچنین این کمپاین به سوی نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل، کمیسیون و پارلمان اروپا و سایر نهادهای حقوق بشری هدایت می‌شود تا مبارزه علیه عملیات کاگار، کشتارهای مردم آدیواسی و ترورهای هدفمند رهبران و کادرهای حزب - از جمله دبیرکل باساواراج و شماری از کادرها و مبارزان - هرچه بیشتر جهانی و مؤثر گردد.

این کمپاین همچنین شامل تشکیل یک هیئت بین‌المللی برای رساندن محکومیت رژیم مودی به داخل هند می‌باشد.

۲۸ مارچ یک روز بزرگ بین‌المللی مبارزه برای نیروهای مارکسیست-لنینیست-مائوئیست، کمونیست، انقلابی، ضد امپریالیست، دموکراتیک و ترقی‌خواه بود که در اشکال گوناگون در بسیاری از نقاط جهان علیه «عملیات کاگار»، علیه کشتارها و نسل‌کشی در مناطق آدیواسی، و علیه سرکوب دولتی توسط رژیم فاشیستی مودی - در خدمت طبقات حاکم هند و امپریالیسم (تمام امپریالیست‌ها: آمریکا، روسیه، چین، اتحادیه اروپا و غیره) - مبارزه کردند.

این روز همچنین روز بزرگی از همبستگی بین‌المللی با جنگ خلق در هند و با حزب کمونیست هند (مائوئیست) بود.

این روز عملاً نقشه‌های رژیم مودی و امپریالیسم برای نابودی جنگ خلق و حزب کمونیست هند (مائوئیست) تا ۳۱ مارچ ۲۰۲۶ را رد کرد. در عوض، نشان داد که پیام‌رهایی و انقلاب چگونه در سراسر جهان گسترش می‌یابد؛ پیامی که در حماسه بزرگ ناگزالیزم، در حزب کمونیست هند (مائوئیست) و در توده‌های مسلح متجلی شده و این تجربه را به یک مرجع جهانی برای کمونیست‌ها، پرولتاریا و ملت‌های جهان تبدیل کرده است.

کمیته بین‌المللی حمایت از جنگ خلق در هند (IC-SPWI) از تمامی نیروهایی که به میدان آمدند قدردانی کرده و آن‌ها را به‌طور کلی پایه‌ای مهم برای ادامه این مبارزه و منبعی بزرگ از دلگرمی برای نیروهای انقلابی و دموکراتیک و حزب کمونیست هند (مائوئیست) می‌داند که در این شرایط دشوار با شجاعت برای حفظ حزب، ارتش خلق و مسیر و عمل جنگ خلق در هند مبارزه می‌کنند.

روز ۲۸ مارچ به‌عنوان یک چالش بین‌المللی علیه رژیم

هماهنگ کننده برای آن ایجاد شد.

با فراخوان مهمم FACAM، این کمپاین بین‌المللی توانست به یک روز بزرگ مبارزه تبدیل شود، زیرا این فراخوان نیروهای بسیاری را فراتر از ICSPWI بسیج کرد و اقدامات گسترده‌ای را سازمان‌دهی نمود و این روز را به یک موفقیت چشمگیر تبدیل کرد.

این امر در فهرست اقدامات منتشر شده در وب‌سایت‌های همبستگی بین‌المللی نیز منعکس شده است.

تمرکز ویژه بر تظاهرات بین‌المللی زوریخ است، زیرا این تظاهرات بزرگ، مهمم و در شرایط خاص برگزار شد و پیام مهمی برای ادامه کمپاین ارائه داد.

اکنون «کمپاین اضطراری» هم در جبهه دموکراتیک و هم در میان صفوف پرولتاریا و جنبش‌ها ادامه خواهد یافت.

در جبهه دموکراتیک، ابتکار جدیدی در بروکسل به‌عنوان مرحله دوم مقابله با نهادهای حقوق بشری اروپا شکل خواهد گرفت. همچنین تیمی از وکلا و نمایندگان سازمان‌های حقوق بشری در حال تهیه شکایتی به دادگاه کیفری بین‌المللی در مورد نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و نقض سیستماتیک حقوق بشر هستند.

همچنین یک کمپاین جدید برای حمایت از حزب کمونیست هند (مائوئیست) از طریق «هفته جانباختگان» در اواخر جولای/اگست و بیست و دومین سالگرد تأسیس حزب در سپتامبر راه‌اندازی خواهد شد.

در نهایت، نشست‌های باز برای تمامی نیروهای مارکسیست-لنینیست-مائوئیست و نیروهای همبسته انقلابی برای راه‌اندازی فوروم بین‌المللی برگزار خواهد شد.

کمیته حمایت از جنگ خلق در هند (ICSPWI)

اپریل ۲۰۲۶

۲. تصمیم دوم این بود که در پاسخ به ادعای رژیم مودی مبنی بر پایان دادن به جنگ خلق و حزب کمونیست هند (مائوئیست) تا پایان مارچ ۲۰۲۶، در همه کشورهای که امکان دارد، تظاهرات‌هایی دقیقاً در پایان ماه مارچ برگزار گردد.

۳. تصمیم سوم - بر اساس پیشنهادی که در اسناد سال‌های اخیر حزب کمونیست هند (مائوئیست) مطرح شده بود - ایجاد یک فوروم بین‌المللی برای گردهم‌آوردن تمامی نیروهای حامی جنگ خلق در هند و جهان بود؛ نیروهایی که در مبارزات ضد امپریالیستی و در مسیر انقلاب‌های دموکراتیک نوین و انقلاب‌های پرولتری در سطح جهانی فعالیت دارند، در پاسخ به برنامه‌های امپریالیستی برای حرکت به سوی جنگ جهانی سوم امپریالیستی، همراه با فاشیسم، سرکوب و ستم بر ملت‌ها از فلسطین تا هند و از آسیا تا آمریکای لاتین.

این فعالیت‌ها ادامه یافت و به تظاهرات بزرگی در ماه جنوری در برابر پارلمان اروپا در بروکسل انجامید (همراه با تظاهرات همزمان در بیرمنگام و اتریش). در این اقدام، دوسیه‌ای ارائه شد تا کمیته امور خارجی اروپا، کمیته حقوق بشر و کل پارلمان اروپا را وادار به بررسی عملیات کاکار، نسل‌کشی مردم آدیواسی، وضعیت زندانیان سیاسی و تحقیق در مورد ترورهای هدفمند رهبران و کادرهای مائوئیست نماید.

این اقدام در ۲۷ جنوری در بروکسل تأثیر قابل توجهی داشت، به‌ویژه به این دلیل که در همان روز یک توافق تاریخی میان کمیسیون اروپا و هند تحت رژیم مودی امضا شد.

پس از این اقدامات، آمادگی‌ها برای تظاهرات پایان مارچ آغاز شد، از جمله یک تظاهرات بین‌المللی در شهر زوریخ که به‌عنوان محور این روز تعیین گردید و یک نهاد

## بیانیه

## دفتر اطلاعات حزب کمونیست فیلیپین (CPP)

## خون قهرمانان خلق ما، همواره جنگ خلق را بارور می‌سازد!

به مناسبت جانباختن (۱۹) تن از رفقای ارتش نوین خلق فیلیپین

خود را بلند کنیم و آنان را تا آرام‌گاهشان همراهی کنیم. بیایید اندوه مردم را به اراده‌ای انقلابی قوی‌تر برای ادامه جنگ خلق تبدیل کنیم.

فداکاری‌ها و قهرمانی‌های جنگجویان سرخ‌جان‌باخته در نگروس، بی‌تردید الهام‌بخش شمار بیشتری از مردم برای مقاومت و پیشبرد آرمان انقلابی خواهد شد. جنگجویان خلق می‌افتند، اما جنگ خلق ادامه دارد. زمینی که با خون قهرمانان خلق آبیاری شده است، رهبران بیشتری برای سازمان‌های توده‌ای، جنگجویان بیشتری برای ارتش خلق نوین و کادرهای حزبی بیشتری پرورش خواهد داد.

در میان تاریکی ناشی از استثمار و ستم فزاینده، زمین‌خواری، غارت منابع طبیعی کشور توسط بیگانگان، فساد و سرکوب فاشیستی تحت رژیم منفور آمریکا-مارکوس، مسیر جنگ طولانی‌مدت خلق همچنان روشن است؛ زیرا مردم بیشتری سلاح به دست می‌گیرند تا برای آزادی ملی و دموکراسی واقعی مبارزه کنند.

مارکو ال. والبوئنا،

مسئول ارشد دفتر اطلاعات

حزب کمونیست فیلیپین

۲۱ اپریل ۲۰۲۶

طبقات حاکم جشن می‌گیرند و به بزم می‌نشینند، در حالی که توده‌های تحت ستم در اندوه فرو رفته‌اند؛ به دلیل مرگ جنگجویان سرخ خود که در مبارزه با هیولاهای فاشیستی در شهر توبوسو، نگروس اورینتال در تاریخ ۱۹ اپریل جان خود را فدا کردند.

مه غلیظ جنگ بر توبوسو سایه انداخته است، زیرا رژیم فاشیستی مارکوس و نیروهای مسلح فیلیپین (AFP) در تلاش‌اند روایت را کنترل کرده و اطلاعات نادرست پخش کنند. واقعیت رویدادهای درگیری ادعایی صبح روز یکشنبه هنوز روشن نیست. صدها نفر از مردم در روستاها و جوامع مختلف مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند، زیرا نیروهای فاشیستی کنترل کامل نظامی بر این منطقه اعمال کرده‌اند.

نیروهای مسلح فاشیستی (AFP) بی‌وقفه قهرمانان جان‌باخته مردم را «تروریست» و «جنایتکار» می‌نامند، در حالی که تلاش دارند جنگ سرکوب‌گرانه و بی‌رحمانه خود را توجیه کنند و جنایات گسترده علیه مردم را پنهان سازند.

اما مردم توبوسو به این دروغ‌ها باور ندارند. آنان خود گواهی می‌دهند که جنگجویان سرخ ارتش خلق نوین (NPA) چگونه در زندگی روزمره و در مبارزه برای دفاع از حقوق و رفاه مردم صادقانه خدمت کرده‌اند. آنان این جنگجویان را همچون فرزندان خود می‌دانند؛ کسانی که خدماتی بی‌ادعا مانند خدمات صحتی، دندان‌پزشکی، کار در مزارع و آموزش به کودکان ارائه کرده‌اند.

بیایید جنگجویان جان‌باخته توبوسو را به یاد آوریم و گرامی بداریم. بیایید تابوت‌های آنان را با درفش سرخ انقلاب بیوشانیم، مشت‌های خود را بالا ببریم و صدای



## حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان Communist (Maoist) Party of Afghanistan (CMPA)

استراتژی مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در کشور عبارت است از استراتژی جنگ خلق. (اساسنامه مصوب سومین کنگره سراسری حزب)



### پیام تسلیت و همدردی

### به حزب کمونیست فیلیپین!

به مناسبت جانباختن (۱۹) تن از رفقای ارتش نوین خلق فیلیپین

ما ضمن ابراز تسلیت و غم شریکی با رفقای حزب کمونیست فیلیپین وظیفه انترناسیونالیستی خویش میدانیم که برای مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع دوشادوش همزمان خویش گام های موثر برداریم و آرزومندیم بتوانیم به کنفرانس بین المللی احزاب و سازمان های کمونیستی مارکسیستی - لیننیستی - مائوئیستی در سطح جهان که یکی از ضروریات مبرم امروزه ما را تشکیل میدهد دست یابیم.

به امید همبستگی کامل احزاب و سازمان های م ل م در سطح جهان!

به پیش در راه احیاء و بازسازی کمیته بین المللی انقلابی انترناسیونالیستی!

زنده باد مارکسیزم - لیننیسم - مائوئیسم!

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

اول می ۲۰۲۶ میلادی

[www.cmpa.io](http://www.cmpa.io)

[sholajawid@cmpa.io](mailto:sholajawid@cmpa.io) || [sholajawid2@hotmail.com](mailto:sholajawid2@hotmail.com)

رفقای عزیز و گرامی!

درودهای سرخ و انقلابی انترناسیونالیستی مان را پذیرا باشید!

پیام شما را به مناسبت جانباختن (۱۹) تن از رفقای ارتش نوین خلق فیلیپین، به تاریخ اول ماه می ۲۰۲۶ م. دریافت نمودیم. یقیناً که طبقات حاکم و خون آشام فیلیپین بمناسبت جانباختن جنگجویان ارتش نوین خلق به بزم شادی می نشینند اما مسیر پرتداوم جنگ ظفرمند ارتش خلق همواره در مبارزه با هیولاهای فاشیستی ادامه خواهد یافت.

رویداد درگیری مبارزات مسلحانه ارتش نوین خلق که به تاریخ ۱۹ - اپریل ۲۰۲۶ میلادی در شهر توبوسو، ولایت نگروس اورینتال / نگروس اوکسی نتال فیلیپین رخ داد هر چند منجر به کشته شدن ۱۹ تن از مائوئیست های فداکار حزب کمونیست فیلیپین گردید که توسط ارتش خون آشام نیروهای مسلح فیلیپین (AFP) جان خود را بخاطر مبارزات برحق و عادلانه از دست دادند اما باید به یاد داشت که خون سرخ این عزیزان هرگز خشک نخواهد شد و برعکس زمین سوخته ای را آبیاری خواهد نمود که از بدنه آن هزاران لاله رنگین دیگر سر برون آورده و انقلاب دموکراتیک نوین را در سرزمین فیلیپین تحت درفش رزمنده حزب کمونیست فیلیپین به پیش خواهد برد.

संसारका मजदुर तथा उत्पीडित जनता एक हौं !

! माक्सवाद-लेनिनवाद-माओवाद- जिन्दावाद !



क्रान्तिकारी कम्युनिस्ट पार्टी नेपाल  
Revolutionary Communist Party of Nepal



पत्र संख्या/Serial No.  
चलानी नं./Regd. No.

मिति : .....

ترجمه: کمیته روابط بین المللی حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان

## اطلاعیہ مطبوعاتی

### حزب کمونیست انقلابی نیال

### به مناسبت سی و یکمین سالگرد جنگ خلق

جنگ خلق که دقیقاً سی سال پیش آغاز شد، امروز وارد سی و یکمین سال خود شده است. به همین مناسبت، حزب ما روز جنگ خلق را گرامی می‌دارد. در این روز تاریخی، حزب ما ادای احترام صمیمانه خود را به تمامی جانباختگان جاودانه‌ای که در جریان انقلاب نیال جان خود را فدا کردند، تقدیم می‌دارد؛ همچنین مراتب احترام عمیق خود را به ناپدیدشدگان، مجروحان و مبارزان معلول ابراز کرده و از فداکاری و دلاوری بی‌نظیر مردم نیال یاد می‌کند. افزون بر این، ما دروهای گرم و سلام سرخ خود را به خانواده‌های جانباختگان و رفقای ناپدیدشده، تمامی اعضای حزب، هواداران و پشتیبانان، توده‌های شریف مردم، احزاب برادر و طبقه کارگر بین‌المللی تقدیم می‌نماییم.

جنگ بزرگ خلق که با عزم تحقق انقلاب دموکراتیک نوین علیه فئودالیزم، سرمایه‌داری کمپرادور و بوروکراتیک در داخل، و امپریالیسم و توسعه‌طلبی در خارج، و با هدف پیشروی به سوی سوسیالیسم علمی و سپس کمونیسم اعلام شد، پیام تازه‌ای از انقلاب و دگرگونی را نه تنها در نیال بلکه در سراسر جهان گسترش داد. اربابان امپریالیسم جهانی و عروسک‌های آنان، یعنی طبقه ارتجاعی نیال، از این جنگ بزرگ خلق به هراس افتادند.

اما به‌طور پارادوکس (متناقض)، به دلیل خیانت‌ها و پیمان‌شکنی‌های جدی رهبری عالی حزب علیه انقلاب، انقلاب نیال به ضدانقلاب تبدیل شد. آن جنگ خلق که زمانی توانایی به چالش کشیدن امپریالیسم جهانی شده را داشت، امروز به بخشی از تاریخ بدل شده و رهبران آن به همدستان امپریالیسم تبدیل شده‌اند. این واقعیت تلخ امروز است. حقوق دموکراتیک محدودی که مردم نیال بر بنیاد جنگ تاریخی خلق و قدرت جنبش توده‌ای به دست آورده بودند، اکنون در حال سلب شدن است. کسر تجاری کشور به شدت افزایش یافته، بحران اقتصادی عمیق است و اقتصاد ملی به کمک حواله‌های مهاجران سرپا ننگه داشته شده است. کارگران، دهقانان و کارکنان کم‌درآمد به دلیل بیکاری گسترده و تورم مهارنشده برای تأمین معیشت خود با دشواری روبه‌رو هستند، در حالی که گروه کوچکی که تحت حمایت قدرت دولتی کشور را استثمار می‌کند، ثروت عظیمی انباشته است.

सम्पर्क कार्यालय कुण्डोल, सम्पर्क ईमेल : rcp.nepal2023@gmail.com

Contact Office: Kupondole, Contact Email : rcp.nepal2023@gmail.com

संसारका मजदुर तथा उत्पीडित जनता एक हौं !

! माक्सवाद-लेनिनवाद-माओवाद- जिन्दावाद !



क्रान्तिकारी कम्युनिस्ट पार्टी नेपाल  
Revolutionary Communist Party of Nepal



पत्र संख्या/Serial No.  
चलानी नं./Regd. No.

मिति : .....

فساد، بازار سیاه، استثمار ربوی و تقلب در تعاونی‌ها به‌طور گسترده رواج یافته است. برای کشاورزان واقعی بازگشت سرمایه دشوار شده، در حالی که واسطه‌ها ثروتمند می‌شوند. در میان این مشکلات، پس از آن که عوامل امپریالیسم امریکا رهبری خیزش یا «انقلاب نسل زد (Gen Z)» در نپال، را — که در پی ممنوعیت رسانه‌های دیجیتال از سوی دولت ائتلافی به رهبری اولی شکل گرفته بود— به دست گرفتند، و با تشکیل یک دولت دست‌نشانده به رهبری سوشیال کارکی، انتخابات پارلمانی موسوم به ۲۱ مارچ ۲۰۲۶ اعلام گردید.

این انتخابات پارلمانی، تازه‌ترین گام امپریالیسم امریکا برای به قدرت رساندن «مشروع» عوامل آزموده‌شده قدیمی احزاب پارلمانی و نیز عوامل جدیدی است که از دل خیزش «نسل زد»، ساخته شده‌اند. این انتخابات بخشی از استراتژی درازمدت امپریالیسم امریکا برای تسلط بر کل قدرت دولتی نپال از طریق عوامل مورد اعتماد خود، ادغام نپال در ائتلاف‌های نظامی از جمله " برنامه مشارکت ایالتی " SPP] در نپال مخفف State Partnership Program (برنامه مشارکت ایالتی) است که یک برنامه همکاری نظامی بین ایالات متحده و کشورهای دیگر (از جمله نپال) است. مترجم] ، و محاصره چین از طریق ایجاد پایگاه‌های نظامی در خاک نپال است.

این دولت دست‌نشانده برای اجرای استراتژی امریکا—که در تضاد با اصول «پانچ‌شیل» و سیاست خارجی عدم تعهدی است که کشور تاکنون به آن پایبند بوده— بر سر کار آورده شده است.

نپال هرگز تا این اندازه در رابطه با استقلال ملی در وضعیت وخیمی قرار نداشته است. در شرایط کنونی که موجودیت خود کشور در معرض خطر قرار گرفته، تنها گزینه این است که این دولت خائن برکنار شود و راه برای یک حرکت رو به جلو از طریق برگزاری یک کنفرانس سیاسی ملی با حضور تمامی نیروهای میهن‌دوست، ترقی‌خواه، چپ و انقلابی هموار گردد؛ جبهه‌ای متحد ایجاد شود، یک دولت مستقل و متحد شکل گیرد و قانون اساسی مردمی تدوین گردد.

در چنین شرایطی، حزب ما با گرمی از تمامی نیروهای میهن‌پرست می‌خواهد که به‌طور قاطع انتخابات پارلمانی پیش رو را—که به اصطلاح «انتخابات» نامیده می‌شود— تحریم کرده و زمینه را برای تشکیل یک دولت مستقل و متحد فراهم سازند.

گوراو،  
دبیرکل

حزب کمونیست انقلابی نپال

تاریخ: ۱۳ فبروری ۲۰۲۶

*Biütün Ülkelerin İşçileri Ve Ezilen Halkları Birleşiniz!*



# TKP-ML

Türkiye Komünist Partisi - Marksist Leninist

دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه / مارکسیست - لنینیست

## رهبر کمونیست ابراهیم کاپاکایا،

**تجسم شجاعت در برابر دشمن، امید در برابر شکست، و ایمان و اراده پیروزی در برابر ناامیدی است!**

**کارگران، جوانان، زنان و رفقای ملیت‌های گوناگون،**

بار دیگر عزم خود را در پنجاه و سومین سالگرد ترور رفیق ابراهیم کاپاکایا، رهبر کمونیستی که در ۱۸ می ۱۹۷۳ ماهیت انقلاب ترکیه و کودهای ساختار اجتماعی و سیاسی آن را آشکار ساخت، برای گام نهادن در راه او اعلام می‌کنیم.

ما در دوره‌ای تاریخی زندگی می‌کنیم که در آن نظام امپریالیستی - سرمایه‌داری، جنگ، گرسنگی، فقر و آینده‌ای تاریک و بی‌چشم‌انداز را با بی‌پروایی بیشتری بر خلق‌های جهان تحمیل می‌کند. از خاورمیانه تا آمریکای لاتین، از بالکان تا آسیا، و از آفریقا تا اروپای شرقی، خلق‌های جهان هدف تجاوزگری امپریالیستی، جنگ‌افروزی، ویرانی اقتصادی و سیاست‌های سرکوبگرانه فاشیستی قرار گرفته‌اند. طبقات حاکم در مقیاس جهانی می‌کوشند بحران‌های خود را با تحمیل شرایط زندگی هرچه سخت‌تر بر طبقه کارگر، زحمتکش‌ان، زنان، جوانان و خلق‌های تحت ستم پشت سر بگذارند.

در ترکیه، فاشیسم می‌کوشد با تشدید سرکوب، بازداشت، زندان، شکنجه، فقر و پراکندگی اجتماعی بقای خود را حفظ کند. سیاست انکار و نابودی علیه ملت گرد همچنان ادامه دارد. کارگران هنگامی که برای ابتدایی‌ترین حقوق خود مقاومت می‌کنند، با تروریزم دولتی روبه‌رو می‌شوند. جوانان به آینده‌ای بی‌سرانجام محکوم شده‌اند، زنان به خشونت مردسالارانه، و دهقانان به غارت و فقر کشانده می‌شوند.

دار و دسته حزب عدالت و توسعه (AKP) و حزب حرکت ملی (MHP) حمایت بیشتری را که از طبقات حاکم دریافت می‌کند، همسو با عزم امپریالیسم آمریکا در محاسبات منطقه‌ای‌اش گسترش داده است. این بلوک حاکم حزب عدالت و توسعه (AKP) و حزب حرکت ملی (MHP) که اکنون بیش از پیش به پشتوانه طبقه سرمایه‌دار - زمیندار متکی است، برای حفظ قدرت سیاسی خود، حملاتش را با



استفاده از همه اهرم‌های قدرت، عمدتاً علیه جناح‌های دیگر به ویژه حزب جمهوری خواه خلق (CHP)، تشدید می‌کند.

دار و دسته حزب عدالت و توسعه (AKP) و حزب حرکت ملی (MHP) زیر پوشش «راه حل مسالمت‌آمیز» برای مسئله ملی گرد، هدف خود را بر درهم‌شکستن و تضعیف ساختارهای سازمانی، نیروهای مقاومت و ابزارهای مبارزه و مطالبه‌گری کرده‌ها متمرکز کرده است.

سیاست اصلاح‌طلبی و سازش به مسیر اصلی جنبش ملی کرد تبدیل شده است. «روند جدید راه حل» که در ۲۲ اکتبر ۲۰۲۴ آغاز شد، پوششی برای سلسله‌ای از حملات مودیان و خیانت‌کارانه بوده که حقوق ملی کرده‌ها را محدود می‌کند. این «روند جدید راه حل» عملاً به عنوان روندی آشکار برای انحلال و تسلیم‌سازی عمل کرده است.

این روند، حمله‌ای مستقیم به اندیشه «مبارزه مسلحانه برای رهایی» است.

این روند، انکار ضرورت «حق تعیین سرنوشت» برای رهایی ملی است.

را سازمان دهی کنند و به مبارزه برای قدرت سیاسی سوق دهند.

**میراث ابراهیم کاپاکایا در همین جا زنده است.**

**آن میراث یعنی: هرگز تسلیم نشدن.**

**آن میراث یعنی: حقیقت را بی هراس بیان کردن.**

**آن میراث یعنی: در هر شرایطی از باور به رهایی مردم پاسداری کردن.**

**آن میراث یعنی: هرگز هدف سازمان دهی انقلاب را رها نکردن.**

امروز، ما رهبر کمونیست ابراهیم کاپاکایا را با اعلام وفاداری به تعهد استوار او به خط قدرت سیاسی پرولتاریا گرامی می داریم؛ تعهدی که در پایداری کمونیستی او زیر شکنجه و در مبارزه ایدئولوژیکش علیه رویزونیسم تجلی یافت.

ما او را با این آگاهی گرامی می داریم که با گام نهادن در راهش پیش خواهیم رفت و به همان اندازه که میراثش را درک کنیم، بر دشواری ها غلبه خواهیم کرد؛ همچنان او را گرامی می داریم، در آغوش می گیریم و به این کار ادامه خواهیم داد.

**صفوف کمونیستی را در برابر سازش کاری تقویت کنید!**

**در برابر ناامیدی، مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم را در دست بگیرید!**

**جنگ انقلابی را علیه امپریالیسم و جنگ ارتجاعی آن برافرازید!**

**در برابر شوونیسم اجتماعی و همکاری طبقاتی، خود را به انترناسیونالیسم پرولتری مجهز کنید!**

**در برابر انحلال طلبی، با عزم راسخ در راه رهبر کمونیست ابراهیم کاپاکایا پیش روی کنید!**

**انقلاب دموکراتیک نوین را از طریق جنگ خلق و در برابر تسلیم طلبی به پیروزی برسانید!**

**زنده باد حزب ما ( حزب کمونیست ترکیه / مارکسیست - لنینیست) و سازمان جوانان مارکسیست - لنینیست ترکیه تحت رهبری آن !**

دفتر سیاسی

کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه /

مارکسیست - لنینیست

م ۲۰۲۶

این روند، طرحی برای به بردگی کشاندن هر بخش از کردستان و هرچه بیشتر مردم کرد، در خدمت منافع ارتجاعی منطقه ای جمهوری ترکیه است.

این روند، به معنای دست کشیدن از ادعای دموکراتیزاسیون و ادغام کردها در امپریالیسم، فاشیسم و نیروهای ارتجاعی جهادی است.

این روند، ادامه گسترش حاکمیت ارتجاعی، سرکوبگر و انکارگر ناسیونالیسم ترک بر ملت کرد است.

ما راه حلی را که از سوی امپریالیسم و نوکر آن، یعنی فاشیسم، تحمیل می شود رد می کنیم. در برابر موقعیت ملت تحت ستمی که بر ملت کرد تحمیل شده است، اعلام می کنیم:

**زنده باد حق تعیین سرنوشت ملت کرد.**

ملت ترک تا زمانی که ملت کرد آزاد نباشد، آزاد نخواهد شد؛ در غیر این صورت، امپریالیسم و فاشیسم پیروز خواهند بود.

در حالی که دار و دسته حزب عدالت و توسعه (AKP) و حزب حرکت ملی (MHP) با شعارهای «ملی و بومی» آتش شوونیسم را شعله ور می کنند، همزمان وابستگی عمیق تر ساختار جمهوری ترکیه به نظام اقتصادی و سیاسی امپریالیسم را تضمین کرده است. این برای آنان یک انتخاب نیست، بلکه نتیجه ناگزیر منافع طبقاتی شان است. این وابستگی فزاینده، موجب فساد و پوسیدگی بیشتر در سیاست، فرهنگ و اقتصاد شده است. این بندگی در برابر امپریالیسم، تاریکی، بی ثباتی و بی آیندگی بیشتری را بر زندگی مردم تحمیل کرده است.

رفقا،

وظیفه ما امروز تنها بزرگداشت او نیست، بلکه فهمیدن اوست. زیرا تاریخ نشان داده است:

**شکست ها موقتی اند.**

**انحلال طلبی پوساننده است.**

**ناامیدی، تسلیم شدن است.**

اما اراده کمونیستی آن است که بارها و بارها در قلب مردم دوباره زاده شود؛ شکست ها را به چالش بکشد، در برابر یأس سر فرود نیارد، مستقیم با دشواری ها روبه رو شود و از حرکت برخلاف جریان نهراسد.

امروز، تضادهای توده ها عمیق تر می شود، خشم آنان رشد می کند و جستجوی آنان ادامه دارد. وظیفه کمونیست ها این است که این جستجو را با خط انقلابی پیوند دهند، آن

## جلد دوم «منتخب آثار و مقالات رفیق ضیاء»

به دست نشر سپرده شد!

تذکر مختصر:-

قبلا مطرح نمودیم که کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان مسئولیت جمع آوری و تدوین تمامی مقالات رفیق ضیاء را بر عهده گرفته که در چندین جلد گرد آوری نموده و تحت ویراستاری و کار می باشد. جلد اول «منتخب آثار و مقالات» که شامل ( ۱۱۱۹ صفحه ) را احتوا نموده بود، دیزاین و در وبسایت حزب منتشر گردید.

اینک جلد دوم «منتخب آثار و مقالات» که شامل ( ۵۱۶ صفحه ) می شود و مسئولیت ویراستاری و دیزاین آن به رفیق جرئت واگذار شده بود، تکمیل گردید و به دست نشر سپرده شد. خوانندگان عزیز می توانند به وبسایت حزب کمونیست ( مائوئیست ) افغانستان مراجعه نمایند. جلد سوم و چهارم نیز به ترتیب انتشار خواهند یافت.

هیات تحریر شعله جاوید

۳۰ ثور ۱۴۰۵

WWW.CMPA.IO



## انقلاب هند همچنان ادامه دارد

صفحه ( ۲۱ )

اخبار هند: رژیم مودی «پیروزی بر مائوئیسم» را اعلام کرد

صفحه ( ۲۲ )

... اما ...

**راه نئوپاراچاندایی دوجی و همفکرانش را افشا کنید!**

پرچم سرخ مارکسیزم-لنینیسم-مائوئیسم را برافراشته نگه دارید! تمام عناصر فرصت طلب، انحلال طلب و رویزیونیست را به خاک بسپارید! صفحه ( ۲۳ )

**در روز جهانی مخالفت با «عملیات کاکار»، در حمایت از جنگ خلق در هند و حزب کمونیست هند (مائوئیست)**

" کمیته بین المللی حمایت از جنگ خلق هند - واحد حزب مائوئیست کمونیست ایتالیا " صفحه ( ۲۵ )

**۲۸ مارچ: یک روز بزرگ بین المللی اقدام علیه «عملیات کاکار» و در همبستگی با جنگ خلق در هند**

( اعلامیه کمیته بین المللی حمایت از جنگ خلق در هند ) صفحه ( ۲۷ )

**بیانیه دفتر اطلاعات حزب کمونیست فیلیپین خون قهرمانان خلق ما، همواره جنگ خلق را بارور می سازد!**

به مناسبت جانباختن (۱۹) تن از رفقای ارتش نوین خلق فیلیپین صفحه ( ۲۹ )

**پیام تسلیت و همدردی به حزب کمونیست فیلیپین!**

به مناسبت جانباختن (۱۹) تن از رفقای ارتش نوین خلق فیلیپین صفحه ( ۳۰ )

**اطلاعیه مطبوعاتی حزب کمونیست انقلابی نیپال به مناسبت سی و یکمین سالگرد جنگ خلق**

صفحه ( ۳۱ )

**بیانیه دفتر سیاسی حزب کمونیست ترکیه (مارکسیست - لنینیست)**

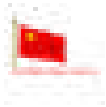
در ۵۳ - مین سالگرد رهبر کمونیست ابراهیم کایاکایا صفحه ( ۳۳ )

**در مورد انتشارات جدید حزب:**

جلد دوم «منتخب آثار و مقالات رفیق ضیاء» نشر گردید. صفحه ( ۳۵ )



**وبسایت حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان:**



[www.cmpa.io](http://www.cmpa.io)



Sholajawid@cmpa.io || Sholajawid2@hotmail.com



[facebook.com/cmpa.io](https://facebook.com/cmpa.io)



[twitter.com/cmpa\\_io](https://twitter.com/cmpa_io)



[instagram.com/cmpa.io](https://instagram.com/cmpa.io)

« طبقه ستم کشی که برای آموختن طرز استعمال اسلحه و به دست آوردن آن نکوشد، فقط شایسته آنست که با وی همانند برده رفتار کنند. » (لنین)